

UNIVERSAL  
LIBRARY

**OU\_228413**

UNIVERSAL  
LIBRARY



از انتشارات بونسکو

بسوی حسن تفاهم بین المللی

# تأثیر خانواده و اجتماع در کودکان

حق چاپ محفوظ

آذرماه ۱۳۳۴

بها: پانزده ریال



چاپخانه دانشگاه



**OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY**

Call No. ۱۳۶۵ Accession No. ۲۰۵۸

Author یونسکو انتشارات

Title مائیت و انزاد و اجتماع در کی دکان

This book should be returned on or before the date last marked below.

---



سازمان فرهنگی و تربیتی و علمی ملل متحد (یونسکو) طبق تصمیم سی و پنجمین جلسه شورای اجرایی یونسکو بمنظور اشاعه علوم و فرهنگ و توسعه معلومات مردمان جهان و تزئید مناسبات فرهنگی و کمک بحسن تفاهم بین المللی با کمیسیونهای ملی در کشورهای خاورمیانه از جمله کمیسیون ملی یونسکو در ایران قرار گذاشته است که منتخبی از انتشارات سودمند این سازمان فرهنگی جهانی را بزبانهای محلی اقتباس و ترجمه کرده و با طبع و نشر آنها در معرض مطالعه مردم بگذارند .

کمیسیون ملی یونسکو در ایران برای اجرای این تصمیم یونسکو بترجمه و طبع و نشرش کتاب ذیل :

۱ - حق تعلیم و تربیت .

۲- آموزش تاریخ .

۳- آموزش جغرافیا .

۴ - تربیت معلمان روستائی .

۵ - توسعه کتابخانه های عمومی .

۶ - تأثیر خانواده و اجتماع در کودکان .

میادرت و رزیده و اینک انتشارات مزبور در دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران (خیابان موزه - اداره کل باستانشناسی) موجود است و امید می رود این کتابها که حاوی تجارب گرانبها و اطلاعات و راهنماییهای سودمند است و توسط دانشمندان و محققان نامدار جهانی نوشته و تألیف شده مورد استفاده عموم واقع شود .

کتاب حاضر یعنی تأثیر خانواده و اجتماع در کودکان بوسیله دانشمند محترم آقای فریدون اردلان ترجمه شده و کمیسیون ملی یونسکو در ایران از همکاری ذیقیمت ایشان در نشر این کتاب سودمند سپاسگزار است .

## فهرست

صفحه

۱	مقدمه
	بررسی سنت‌های فرهنگی.
۵	بقلم دکتر روت بندیت استاد نژادشناسی در دارالمعلمین دانشگاه کلمبیا
۲۱	نقشه تحقیقات دربارهٔ تعلیم و تربیت کودکان در تمدن‌های مختلف.
۳۹	تأثیرات غیرطبیعی در روحیهٔ کودک. گزارش دسته ....
	تعلیم و تربیت و موانعی که اجتماع در مقابل آن قرار میدهد .
	بقلم دکتر آلوامیردال، کارشناس تعلیم و تربیت کودکان و
۵۵	عضو فعلی دبیرخانهٔ ملل متحد، ادارهٔ مسائل اجتماعی.
۶۷	اصلاحات.
	ضمیمه - فهرست اعضا هیئت مدیره، کارآموزان و مشاورین -
	فنی که در دورهٔ کارآموزی تحقیقات عملی در بارهٔ تعلیم و
۷۶	تربیت کودکان کمتر از سیزده سال، شرکت داشته‌اند.

## مقدمه

بوسیله « استاژ تحقیقات عملی » یا « سمینر » یونسکو نوع خاصی کنفرانس بین‌المللی تشکیل میدهد که در آن کارشناسان منتخب کشورهای مختلف برای بررسی پاره‌ای از مسائل مربوط به تعلیم و تربیت اجتماع میکنند. یک دوره کارآموزی تحقیقات از نوع مزبور از تاریخ ۲۱ ژوئیه تا ۲۵ اوت ۱۹۴۸ در «پود برادی» (۱) واقع در کشور چکوسلواکی بمنظور پژوهش درباره تعلیم و تربیت کودکانیکه از سه تا سیزده سال دارند ترتیب داده شد. انتشار این رساله یکی از نتایج اقدامات مزبور محسوب میشود. پانزده کشور نمایندگان خود را به «پود برادی» اعزام داشته بودند سی و یک نفر در این دوره کارآموزی شرکت جستند: ۱۲ نفر زن و ۱۲ نفر مرد. قسمت عمده آنان را معلمین و معلمات کودکانها و آموزشگاههای ابتدائی تشکیل میدادند.

معهدنا باید ذکر کرد که بین شرکت کنندگان شش نفر بازرس تعلیماتی، دو نفر مدیر آموزشگاه، سه نفر از معلمین آموزشگاههای متوسطه، چهار نفر از معلمین دانشسراها، سه نفر از دانشجویان رشته تربیتی و سه نفر کارشناس تعلیم و تربیت کودکان حضور داشتند. ضمن اسنادی که بوسیله کنفرانس مذکور تهیه شده قسمت عمده‌ای از مقاصد و نظرهای ملی و حرفه‌ای بیان گشته است.

دوره کارآموزی «بودبرادی» نیز مانند سایر «سمینرهای» یونسکو بوسیله دسته های کوچک تحقیقی کار خود را انجام داده است. مجموعاً چهار دسته با آزادی و یگانگی چهاروضع و حالت زیر را در خصوص تعلیم و تربیت و رشد کودک مورد بحث قرار داده اند بدین ترتیب: کودک در تمدن های مختلف؛ تکامل روانی کودک؛ تأثیرات غیرطبیعی در روحیه کودک؛ اهداف و مساعی تعلیم و تربیت. این چهار دسته اهمیت خاصی برای تعلیم و تربیت و تقویت روحی کودک قریبانی جنگ قائل شده اند. رساله حاضر حاوی متن دو سخنرانی که در جریان کارآموزی تحقیقات عملی ایراد گردیده و گزارش دسته ای که در باب «تأثیرات غیرطبیعی در روحیه کودک» مطالعه کرده است و همچنین یادداشتی درباره شیوه های تتبع نسبت بوضع کودک در تمدن های مختلف میباشد.

نخستین سخنرانی بوسیله خانم روت بندیت (۱) راجع بموضوع: «هر نسل از نظر امتزاج تدریجی آن بازندگی اجتماعی و تحت نفوذ عادات و رسوم چه اثری دارد» ایراد شد.

خانم نامبرده مخصوصاً بتشریح شیوه های مربوط بتبیه و سائل تولید و رشد و تعلیم و تربیت کودک در کشورهای مختلف اروپا مبادرت جست. گفتار مزبور آخرین سخنرانی است که خانم بندیت، قبل از مرگش که در ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۸ اتفاق افتاد، ایراد کرد. یونسکو سربلند است از اینکه توانسته اثری را از این کارشناس گرانمایه علوم بشری که طی دوران زندگی خود، بوجه قابل تحسینی در پیشرفت حسن تفاهم بین ملتها سهیم بوده است، انتشار دهد.

خانم بندیت همچنین یادداشتی را که متعاقب سخنرانی خود تنظیم کرد

بکار آموزان عرضه داشت. این سند فنون گوناگون قابل اجرا را بمنظور بررسی زندگی اجتماعی و روانی کودکان در محیط های مختلف نشان میدهد.

ضمن یادداشت مذکور گزارش دسته ای که بطور اساسی درباره تأثیر محیط خانوادگی در تکامل روحی کودک بحث کرده اند بیان شده است. این رساله با ذکر مفروضه دکتر آلوا میردال (۱) راجع بموانع نظم اجتماعی که بتعلیم و تربیت لطمه وارد میسازد، خاتمه مییابد؛ مؤلف مزبور مخصوصاً درباره تأثیرات مادی که موجب نموبدنی و رشد اخلاقی کودکان میگردد توجه و تأکید میکند.

این مدارک متعدد بمناسبت پیوستگی عمیق مطالبشان ضمن یک رساله منتشر گردیده است و تمام آنها بمنظور توضیح پاره ای عوامل محیط خارج از آموزشگاه که کودکان سنین از ۳ تا ۱۳ تحت تأثیر آن قرار میگیرند، انشاء شده است. در گزارش کامل خانم آزگرودا اسکارد (۲) رئیس دوره کارآموزی و استاد روانشناسی دانشگاه اسلو (نروژ) و در گزارش دسته تحت سرپرستی آقای لوئی میلان (۳) استادرشته تربیتی در دانشگاه لوزان (سوئیس)، تحت عنوان: «در کلاس با کودک کان کمتر از ۱۳ سال» اطلاعات وسیعی درباره کارهای مربوط بدوره کارآموزی «بود برادی» ملاحظه میشود.

هدف دوره کارآموزی تحقیقات عملی یونسکو آنست که بشرکت کنندگان امکان مبادله اطلاعات، مباحثه در نظرها و شیوه ها و یافتن طریق حل پاره ای از مسائل تعلیم و تربیت و زندگی کردن برای مدتی در یک

اجتماع بین المللی، داده شود. شایسته است تصریح گردد که انتشار این قبیل رسالات اثر و نتیجه اساسی اینگونه مجامع رایان نمیکند؛ زیرا موفقیت‌های يك دوره کار آموزی تحقیقی را نباید با اسنادیکه از آن ناشی میشود مقایسه کرد، بلکه اثری که در شرکت کنندگان و همراه آنان، در محافل تعلیماتی کشورشان بوجود می‌آید مبین آنست .

# بررسی سنت‌های فرهنگی

بقلم

دکتر روت بندیت

استاد نژادشناسی در دارالمعلمین

دانشگاه کلمبیا

در بر نامه سال ۱۹۴۸ یونسکو لزوم «تحقیقات در باره عواملی که فرهنگ، هدف و روش قضائی کشورهای مختلف را مشخص میکنند. این تحقیقات در هر کشور بمنظور تقویت علاقه‌مندی و حس احترام برای هدف و اعتلای سایر کشورها و همچنین بخاطر تشخیص صحیح مسائلی که آن کشورها باید حل و فصل کنند صورت خواهد گرفت (۱)». تصریح و تأکید شده است. یکی از نکات اساسی این تحقیقات عبارت خواهد بود از مطالعه طرز تربیت جوانان از نظر شرکت آنان در بهبود و اصلاح فرهنگ ملی. در عین ایجاد این قبیل اصول کلی، یونسکو اعتقاد خود را چنین بیان میکند که با تشخیص و تمیز اختلافات فرهنگی که بین ملل متمدن وجود دارد میتوان همکاری بین‌المللی را تسهیل نمود. معیناً در اکثر کشورها، نظریه مخالف آن تا کنون حکمفرما بوده است. اغلب، کسانی که آرزوی برقراری يك همکاری بین‌المللی دارند همانا اشخاصی هستند که بکاهش اختلافات اساسی بین ملت‌ها علاقه‌مند میباشند؛ آنان برای تأمین وحدت خصائل و انگیزه‌های بشری بدون بحساب آوردن اختلاف عادات و رسوم، فرهنگ و جهات دیگر که باعث جدائی مردم میشود پافشاری میکنند.

بعکس کسانی که خود را در مقابل همکاری بین المللی قرار میدهند، مسؤلیت مناقشات جهانی را ناشی از اختلافات موجود بین ملتها قلمداد میکنند. بنابادعالی آنان هر يك از این اختلافات بنوبه خود دلیل تازه ایست بر اینکه گویا ملل دیگر بد هستند و مقاصد بدی دارند. غرض این دسته که دائماً آنرا بیان میکنند اینست که نمیتوان، تاوقتی ملل دیگر خصائل و عاداتی را که فرهنگ خاص آنان با آن مزوج گردیده است از خود دور نسازند، يك دنیای مسالمت آمیز بنا کرد.

چنین است وضع کهنه ای که طی قرنهای متداول بوده است و مسلماً تأثیری در صلح جهانی ندارد، بهمین جهت یونسکو توصیه میکند که کارشناسان علوم اجتماعی اینک ابتکار تغییر آنرا در دست گیرند و اختلافاتی را که موجب افتراق ملتها در مسائل اساسی مانند تعلیم و تربیت کودکان میباشد مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. یونسکو تأیید میکند که در عمل باید این نکته را در نظر گرفت که اجتماعات بشری بایکدیگر یکسان نیستند. میدانیم که در روابط بین افراد، فقط يك موجود واقعاً جاهل میتواند مدعی شود که تمام بستگان و دوستانش همانند خود او هستند؛ شخصیکه از نظر روانی سالم است این اختلافات را تشخیص میدهد و بدان وقع میگذارد. یونسکو هم از اینرو پیشنهاد میکند که رفتار و اعمال صحیح روانی ملتها اشاعه داده شود و معتقد است که يك مطالعه کاملاً مساعد با رعایت بهترین طریق برای رفع اختلافاتی که بین ملتها وجود دارد همکاری جهانی را تسهیل خواهد کرد.

اجرای این قسمت از برنامه یونسکو مخصوصاً در دنیای امروز ضرورت دارد. هیچ ملتی نمیتواند از این پس تنها بخاطر خودش زندگی کند.

تر دنیای جدید مطلقاً لازم است که هرملتی غیر از طرز زندگی خود با اشکال دیگر زندگی نیز مانوس و آشنا شود. این موضوع در گذشته بندرت تحقق یافته است. لیکن اختراعات فنی در قسمت حمل و نقل، در ارتباطات و وسائل جنگی دیگر وضع را تغییر داده است. این اختراعات بسیاری از اعمال را که سابقاً جزو خصائل ملی محسوب میشد اینک متروک ساخته است. اجازه دهید از تاریخ «اتازونی» برای شما مثالی بیاورم. آمریکائیکها بلحاظ آنچه در کشور خود مشاهده میکنند مطلقاً عقیده دارند که مردم صرفنظر از ملیت اولیه خود میتوانند و میخواهند با خصائل و عادات و رسوم آمریکائیکها، که برای آنان بیان شده باشد، خوب گیرند.

این عقیده از نظر ملی نتایج نیکوئی داشته است. زیرا بدانوسیله ممالک متحده آمریکا امکان یافته اند از اهالی تمام کشورهای اروپایی که بآمریکا آمده اند ملت آمریکا را تشکیل دهند. ظرف پنجاه سال یعنی از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰ بیست میلیون نفر اروپایی با خانوادههای خود بقصد اقامت وارد اتازونی شده و «تابعیت آمریکا» را پذیرفته اند بنابراین نباید تعجب کرد اگر آمریکائیکها چنین میپندارند که طرز زندگی آنان میتواند همه مردم جهان را بسوی خود جلب کند. این پندار مبتنی بر تجربه ایست که بنوبه خود از طرز زندگی ملی ناشی میشود. با وجود این از نظر بین المللی، نه فقط این وضع آمریکائیکسی تعبیر مناسبی نیافته بلکه خصوصیت مخربین نیز پیدا کرده است. نباید تصور کرد که هرملتی همان اندازه سن خود را حفظ میکنند که آمریکائیکها بحفظ عادات و رسوم خود علاقه مندند. در وضع فعلی باید مسائلی را در نظر گرفت، باین معنی که آمریکائیکها باید اختلافاتی را که بین ملتها وجود دارد قبول کنند

و بدان وقع گذارند؛ بایستی عادت کنند در هر يك از كشورهایكیكه با آنها ارتباط دارند، موجودیت فرهنگي عقاید مختلف را كه بحیات خود ادامه خواهند داد، رعایت کنند؛ باید مانند سایر ملل بدانند همچنانكه تمدن كشور خود را تحقیر نمیکنند سنن كشورهای های دیگر را نیز محترم شمارند.

### تجزیه و تحلیل اختلافات ملل

مطالعهٔ اختلافات موجود بین ملت ها مستلزم مقایسه و بررسی تطبیقی تمدن آنها میباشد. در این باره مطلبی وجود دارد كه مخصوصاً از نظر جامعه شناسی قابل توجه است و آن ضرورت بررسی بعضی از نتایج اساسی است كه چنین مطالعه ای را میسر میكند. نتایج مذکور میتواند برای درك تمدنهای فرانسوی و انگلیسی بمابهمان اندازه كمك کنند كه برای مطالعهٔ نمربخش زندگانی قبائل بانتو و مالزی لازم خواهد بود. اینك پاره ای از این نتایج ذكر میشود:

۱- در اغلب حالات، طرز زندگی همراه با ظهور تعدی یا تقوی تحت تأثیر يك نظم اجتماعی قرار دارد؛ این خصوصیات ناشی از وضع نژادی و خصلت غریزی نیست، تا اینكه بوسیلهٔ آن چنین تعبیر کنیم كه افراد بشر در همه جا با تمایلات تجاوز آمیز و توأم با خشونت متولد میشوند. در حیوانات غریزه نقش بسیار بزرگی دارد؛ اما اگر بشر مقام اول را در جهان بدست آورده و باین همه موفقیت ها نائل آمده است؛ اینها فقط ناشی از غریزه نیست زیرا بشر بطور مؤثر و وسائل حمایت خود را بر ضد تغییرات طبیعت تعبیه کرده است؛ زیرا او نباتات را رویانده و حیوانات را اهلی کرده است و نیز بدین جهت كه او قوانین؛ اشكال زندگی خانوادگی،

قواعد اخلاقی و مذهبی را بوجود آورده است. آنچه را بشریت کشف کرده با اعمال و سنن خود در آمیخته است و بوسیله این اعمال و عادات و رسوم است که زندگی نسل‌های آینده شکل مخصوصی بخود میگیرد، این عوامل باعث میشود که مردم خود را کم و بیش متجاوز نشان بدهند؛ و به خود پرستی پردازند؛ یا قضاوت مضر و ناصحیح کنند؛ آنان را که پول و ثروت دارند ستایش کنند و یابه بدینی و نفاق دچار شوند زیرا مردم وابسته بیکدیگر زندگی میکنند.

در هر اجتماع افراد ناگزیر از ایجاد قواعد و رسوم برای اداره و تنظیم روابط متقابل خود میباشند از قبیل قواعد برای خرید و فروش؛ ازدواج و بقای نسل، اداره کردن دستگاه دولت و پرستش خدا. میتوان موضوعات اجتماعی تعدد زوجات، وحدت زوج و زوجه و بالاخره تعدد شوهران را بعنوان مسائل قابل حل ذکر کرد. هر يك از این سه روش میتواند بیک طرز زندگی که در آن مصونیت خانواده تأمین خواهد شد و فرزندی که در این خانواده متولد میشوند محل امن و استواری بدست خواهند آورد، منتهی شود. در این سه حالت؛ در وحدت زوج و زوجه مانند تعدد زوجات ممکن است اختلافاتی بوجود آید یا در عمل آنها بوجود آورند، کسانی که بین ما بهبود و اصلاح جهان را میجویند بهتر است توجه خود را بمعایبی که از پیش موجب مردود شدن یکی از این مسائل سه گانه میشود معطوف دارند، در حقیقت پیشرفت بررسی تطبیقی و مقایسه تمدن‌ها مستلزم واقع بینی و اغماض بسیار است.

۲- اشکال تمدن که در هر اجتماع بوسیله افراد آن ابداع و از یک

نسل بنسل دیگر منتقل میگردد، در هر صورت مبین ارتباط و پیوستگی زیادی است يك اجتماع که بر حسب يك قانون فوق العاده صریح با جنایتکاران خود رفتار میکند باز هم تمایل دارد که يك نوع تشریفات مذهبی را اجراء کند و ضمن تعلیم و تربیت کودکان خود را مقید بتشریفات نشان بدهد. در اجتماعی که مردم از متابعت غریزه خویش بیم دارند و در نتیجه غریزه خود را محکوم میکنند؛ کوشش میشود خود را در يك وضع کتمان آمیز و جلوه افتاده، نه تنها در زندگی عمومی، بلکه حتی در مرحله پائین تر، در روابط بین زن و شوهر، بین اعضا، خانواده و کودکان و بین دوستان جلوه دهند. در آخرین تجزیه و تحلیل، بایستی گفت که هر نوع تمدن بخصوصیات روحی و جسمی افرادی که بچنین اجتماعی تعلق دارند وابسته میباشد؛ خلاصه خصائص روحی و جسمی بشر باسانی و بدون استنتاج تناقضات آن قابل درك نخواهد بود.

۳- طرز رفتاری که افراد پیش میگیرند و با خود بصحنه اجتماع منتقل میسازند بایستی برای هر نسل موضوع تعلیم و تربیت جدیدی قرار گیرد. توجهی بوضع مردم فرانسه که بنظر میرسد طی قرن ها در کشور فرانسه سکونت دارند و هلندیها که بنظر میآید در کشور هلند اقامت گزیده اند معلوم میکند که بندرت اتفاق افتاده که با هر نسل مردم فرانسه و هلند بطور کامل خود را تغییر داده باشند. کودکان خردسال بطور غیر مشخص بتمام انگیزه ها پاسخ میدهند و آنان را باید برای اکتساب عادات و رسوم و خصائلیکه بهر ملت و فرهنگ آن شخصیت میدهد راهنمایی کرد. بر حسب روشی که بوسیله اقوام و بزرگتران با کودکان اتخاذ میشود و بر حسب شیوه هائیکه مریانشان بمنظور تشویق و باتنبیه آنان بکار میبرند، تحت تأثیر آنها تغییر و اختلاط و تطوری صورت میگیرد که برای نسلهای

جدید انطباق و استیناس را با اجتماع و کشور خود امکان پذیر مینماید.

تربیت کارشناسان مأمور بررسی اختلافاتی که ملت‌ها را  
از یکدیگر جدا میکند

هنوز از مرحله اول بررسی اختلاف تمدنها که بین ملل وجود دارد تجاوز نشده است بنابراین شرکت کنندگان در این دوره کارآموزی (استاذ) فرصت مشارکت در تحقیقات و تفحصات لازم را دارند. در نتیجه مفید خواهد بود که چند کلمه‌ای در باره روشهای متداول برای تربیت اشخاصی که مأمور انجام این نوع مطالعات خواهند شد سخن گوئیم:

هر بررسی تطبیقی و مقایسه تمدنهای بشری، بدون رعایت افکار عمومی محل امکان ناپذیر است. و هیچ محققى در این باب نمیتواند بدون توجه به موضوع افکار عمومی نتایج عالی بدست آورد. همچنانکه ادامه مطالعات تطبیقی در باره مذاهب در قرون ۱۷ و ۱۶ یعنی در دورانی که اروپا بر اثر جنگهای مذهبی از هم گسیخته بود، امکان نداشت؛ همان طور هم مبادرت بیک بررسی مثبت در خصوص اختلاف اشکال زندگی بشری تا وقتی که این اختلافات بنوبه خود نتایج مذمومی را موجب میشود، مقدور نیست. در تمدن مغرب زمین، کشورها بر حسب اینکه هر کس وظیفه او جای خود را بداند وجه مشترک دارند و انجام این وظائف؛ برای هر کس، اعم از اعیان و دهاتی شرط احترام خود اوست. اما در اروپا کشورهایی هستند که در شرایط اجتماعی آنها فردی که بوجود میآید فقط نقش بسیار متوسطی را ایفا میکند و در آنجا افراد بوظائف خود؛ نه بر حسب « مرتبه اجتماعی، بلکه باقتضای اینکه موجودات انسانی هستند و» اینکه آنان بهمنوعان خود ارج میگذارند، ارزش مینهند. هیچ محققى نخواهد توانست بیک بررسی مثبت در باره انواع مختلف تمدنها پردازد در صورتیکه این یا آن نوع تمدن را با احساسی مشابه آنچه نیاکان مادر قرن شانزدهم در باره

ملحدین و بت پرستان داشته اند تلقی کند.

یک اثر کلاسیک از اواسط قرن نوزدهم بیادگار مانده است که برای کسیکه به بررسی اختلافاتیکه بین ملتها جدائی میافکنند علاقه مند باشد بسیار گرانبها تواند بود: این اثر عبارت است از «دموکراسی در آمریکا» (۱) از الکسیس «توکویل» (۲). مقارن سال ۱۸۳۰ این فرانسوی بزرگ، که تحت رژیم سابق در کشور فرانسه پرورش یافته بود، برای مطالعه زندگی دنیای جدید با آمریکا عزم کرد؛ وی اثر خود را بدین منظور تألیف کرد که برای اروپائیان از یک طرز زندگی که بنا بر فرض او در دنیای قدیم دیرتر توسعه مییابد توصیفی کند؛ از یک طرز زندگی که در آن از طبقات و امتیازات، بقایای فئودالها که در کشور خود او برقرار بود اثری نمیتوان یافت؛ از یک طرز زندگی که در مردان و زنان یک تازه ای نمایان میساخت و بر روابط بشری خصوصیت دیگری میبخشید. طی یک قرنی که از تألیف اثر «توکویل» میگذرد، روشهای دقیق و صریحی برای مطالعه تطبیقی و مقایسه تمدنهای مختلف ابداع گردیده، لیکن هدف این بررسیها همانست که «توکویل» مورد توجه قرار داده بود.

بطور کلی، برای تربیت کارشناسان بررسی تطبیقی و مقایسه تمدنها ابتدا باید آنان با مؤسسات اجتماعی، که تعداد آنها بسیار است و در قسمتهای مختلف جهان معرفت یک جنبه محلی مییابد، تماس گیرند؛ سپس برای مشاهده گروههای کوچک ابتدائی بسیار متنوع جامعه بشری، مانند قبائل وحشی که در آن زیست میکنند اعزام شوند.

درست نشناختن مؤسسات اجتماعی و وضع روحی این گروهها دانشجویان را برای وصول بفهم آنها ناگزیر از رعایت ملاحظات و برداشتن

یادداشت‌های مفصل میکند. «عکس العمل يك تمدن جدید» بنوبه خود در انواع تمدنها آزمایشی را که باسانی قابل اجراء است بوسیله روش دیگری ایجاب میکند. پس از بررسی وضع يك قبیله معین، میتوان بوسیله کاملاً مؤثری بمطالعه اشکال تمدن، منحصرأ در يك کشور مخصوص پرداخت.

کار شناسان همچنین میتوانند خود را برای بررسی تطبیقی و مقایسه تمدن‌های مختلف، از طریق آزمایش و مطالعه عادات و رسوم ملت خود، مهیا کنند، مباحثات و ملاحظاتی که بخوبی تنظیم شده‌اند، مطالعه داستانها فیلمها، یا نظرهای هنری میتوانند نتایج مفیدی داشته باشند، مشروط بر اینکه امور تحت هدایت مردان و زنانی اجراء شود که تعلیم و تربیت آنان کاملاً با انطباق بر آنچه سابقاً شرح داده شد پیشرفت کرده باشد و بشرط اینکه مدارك مربوط بیک کشور توأم بامدارك بدست آمده از کشورهای دیگر، حوائج تعلیم و تربیت حرفه‌ای، را تأمین کند.

### بررسی پیدایش خصمت ملی .

دوره کار آموزی فعلی یونسکو برای هیئت مأمور تعلیم و تربیت کودکان و یکی از دسته‌های راجع بموضوع «تعلیم و تربیت کودکان در ملل مختلف» بوجود آمده است بموجب برنامه یونسکو؛ این دسته ملاحظه میکند که وظیفه او تنها بطور ساده بررسی و آزمایش تعلیم و تربیتی که کودک در آموزشگاه تحصیل میکند نیست. بلکه شامل بررسی آنچه کودک در خانواده خود و در اجتماع بدست می‌آورد نیز میباشد بنحوی که «تربیت جوانان از نظر سهیم قرار دادن آنان در بهبود و اصلاح فرهنگ ملی» بمرحله اجراء درآید. امید است که عده‌ای از کارآموزان بتوانند در مباحثاتی که اینجا جریان دارد و همچنین در فهرست‌های موضوع تحقیقات

و پرسشنامه‌های ما، شوق و رونقی بوجود آورند، و پس از مراجعت بکشور های خود بتوانند مشاهدات منظمی را که ضمن یادداشتها یا گزارش‌های خود ذکر خواهند کرد، عملی سازند و نیز در بهبود تفاهم متقابل بین ملت‌ها مشارکت نمایند.

در هر کشور تأثرات و حالات کودک بر حسب طرز مراقبتی که متناسب احتیاجات طبیعی او بعمل آید، توسعه مییابد. چگونه، چه وقت، از چه بوسیله چه کسی کودک تغذیه میکند؟ چگونه با او موخته میشود که حوائج فیزیولوژیک خود را تنظیم کند؟ در چه مقیاس و چگونه حرکات او محدود یا تشویق میشود؟ کدام وعده‌ها و کدام تهدیدات برای خواباندن او بکار میرود؟ آیا وسیله‌ای برای جلوگیری از تماس کودک با اعضاء تناسلی او وجود دارد یا نه؟ رفتار آمیخته با آزر و حیا که در باره آن اصرار و تأکید میشود کدام است؟ به چه وسیله و از چه سالی اختلاف رفتار و سلوک با نوزادان پسر و دختر آغاز میشود؟ پاسخ این سؤالات بطور قابل ملاحظه‌ای بر حسب کشورهای مختلف اروپا تغییر میکنند. کودکان بوسیله رفتار مختلفی که در باره آنان متداول است، در مواقع و جریانات مختلف، خواه هنگام خوشنودی یا بعکس در حال خشم، مورد آزمایش قرار میگیرند. بدین ترتیب کودک میتواند بغریزه‌های خود اعتماد کند یا از ترس آنها را رها سازد؛ او میتواند تعلیم داده شود که در برابر رفتار بد خود منتظر مجازات باشد و بر اثر حسن سلوک خود گاهی تشویق گردد؛ همچنین او میتواند بفهمد که عاقل بودن «طبیعی» و مطبوع است و او میتواند درک کند که امنیت و آسایش او در حرف شنوی از بزرگتر است؛ همچنانکه او حق دارد مقاومت در برابر دستورهایی بزرگتر را نیز بیاموزد.

بررسی پیدایش اختلاف تمدنها، تحقیقاً عبارت است از تفحص در

در اینکه چگونه هر نسل از نظر اختلاط تدریجی بازندگی اجتماع، در اعتبار سنت‌های آن تغییراتی بوجود می‌آورد. يك چنین روش با استفاده از موفقیت‌هایی که در این خصوص بوسیله پاره‌ای از علوم وابسته یکدیگر بدست آمده و همه آنها در چنین تحقیقاتی مؤثر هستند، قاعدتاً امروز امکان پذیر است؛ باید تذکر داد:

الف- بررسی تکامل جسمی کودک؛ این تکامل قواعد و قوانینی دارد، شایسته است وابستگی آن با قوانینی که رشد سنی کودک را تعیین میکنند و در بعضی از قسمت‌ها تحت تأثیر عادات و رسوم واقع میشوند، در نظر گرفته شود؛

ب- بررسی وضع زندگی انسانی، انسان روح خالص نیست؛ دارای جسمی است؛ این جسم میتواند خود را بوسائل مختلف بر حسب مرحله تکامل متجاوز نشان بدهد، خواه از طریق دهان (گاز گرفتن)، خواه بوسیله دفع (کثافات) یا بطریق دیگر؛ بر طبق وضعی که بر اثر این عادات جسمی بوجود می‌آید، خصائل مختلف افراد تکامل می‌پذیرد؛

ج- بررسیهای پزشکی راجع به بیماریهای دماغی. این بررسیها نادرست بودن فرضیه‌هایی را که بموجب آن جسم و روح هر يك از دیگری جدا و مستقل میباشند نشان داده است؛ این بررسی‌ها ارتباط کاملی را که بین نوسانات احساسی یا روانی و بدکار کردن بدن وجود دارد، آشکار کرده اند؛

د- مداوای امراض روحی: طرز جدید مداوای امراض روحی بمیزان وسیع، قوا و عواملی را که در تکامل شخصیت تأثیر دارند معرفی کرده است؛ این طریقه در معالجه امراض دیگر نیز بکار برده شده است؛ اما در مطالعه راجع به پیداشدن فرهنگ‌ها، این شیوه طبعاً بطرز دیگری

مورد استفاده قرار میگیرد، در یک چنین بررسی، شیوهٔ مداوای روحی دیگر یک طریق معالجه نیست، بلکه بعنوان وسیله‌ای برای توسعهٔ آگاهی و شناسایی قوا و عوامل فرهنگی بکار می‌رود.

اینک موقع آن فرا رسیده است که با استفاده از موفقیت‌هایی که در علوم وابسته بیکدیگر بدست آمده است در بارهٔ « تربیت جوانان از نظر سهیم قرار دادن آنان در بهبود یک فرهنگ ملی» بمطالعه پردازیم. کافی است که مشاهدات خود را منظم و متمرکز سازیم و مطالبی که میتوانند ما را هدایت کنند یادداشت کنیم.

### رشد و تربیت کودکان در کشورهای مختلف اروپا

یک ضرب‌المثل بلغاری چنین می‌گوید: « بکودکی که نگرید پستان نمیدهند» (تا نگرید طفل کی نوشد لبن) این ضرب‌المثل تنها در بلغارستان مصداق ندارد بلکه در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نیز با کودکان بنابر رضای حوائج او رویهٔ متمایزی در پیش میگیرند و کودک را تابع آن قرار میدهند. مثلاً از روی ساعت اوقات تغذیهٔ او را تنظیم میکنند یا مانند وضعی که در لهستان متداول است چنین تصور میکنند که برای تقویت ریه‌های کودک مادرش باید او را آرام نکنند بلکه بحال خود گذار تا هر چه میتواند بگیرد. در بعضی از کشورها، ملاحظه می‌شود که مادر موظف است کودک را موقع گریستن لا اقل در یک قسمت از روز بحال خود بگذارد؛ در سایر کشورها، از گریهٔ کودک جلوگیری میکنند زیرا فریاد کودک برای بزرگتران واقعاً نامطلوب است؛ باز هم در بعضی از کشورها فریاد کودک بمنزلهٔ ضجه و تضرعی است که بزرگتران خود را ناگزیر از پاسخ دادن به آن میدانند

يك تجسم عالی از اختلافاتی که در باره رشد و تربیت کود کان بین کشورهای مختلف اروپا وجود دارد، بوسیله موضوع اعمال تحریک آمیز بوجود میآید. در ممالک متحده آمریکا، همچنین در فرانسه و انگلستان، از هر نوع فشار آوردن بر اعضاء بدن کودک اجتناب میکنند، پزشکان آمریکائی اعلام کرده اند که جلوگیری از حرکت اعضاء بدن کودک بوسیله قنناق موجب رعشه و انقباض بعضی از عضلات میشود. با وجود این در بسیاری از نقاط جهان، نوزادان قنناق میشوند. بدون آنکه این امر موجب انقباض عضلات آنان گردد. نژاد شناسان بخوبی میدانند که در بررسی راجع بکودکان، تنها کافی نیست که گفته شود نوزادان را باید قنناق کرد یا نه. در آمریکا نوزادان هندی را محکم می پیچند و در سطح گهواره قرار میدهند، این روش کلیه اقسام مختلف را شامل میشود. در بعضی از قبائل هندی، قنناق کردن، در کود کان ۳ یا ۴ سال موجب یکنوع خمودگی و عدم فعالیت میشود، و آنان را عادت میدهد که بصورت بوداهای کوچکی بیحرکت باقی بمانند، بدون آنکه بتوانند حتی انگشت خود را، برای دور کردن مگس هائی که روی چهره آنان مینشینند، بلند کنند.

در سایر قبائل، که طرز قنناق کردن فرق میکند، بچه هاسرشار از ابتکار و انرژی هستند. در اروپا بر حسب کشورها، اختلافات فاحشی در باره تأثیر قنناق کردن در کودک وجود دارد.

در کشور روسیه معمولاً قنناق بسیار فشرده و طویل است. در آنجا چنین عقیده دارند که قنناق کودک را در برابر شدت غریزه حمایت میکند. میگویند کود کیسه قنناق نشود خود را از تخت خواب بزمیافکند، خود را

کور میکنند یا دست و پای خود را می‌شکنند. چنین می‌پندارند که اگر بچه قنداق نشود، مادرش باید تمام وقت خویش را صرف مراقبت حرکات او نماید. از این رو مبارزه‌ایکه در بدو امر بر ضد قنداق کردن در اتحاد جماهیر شوروی آغاز شده بود متوقف مانده است. اینگونه قنداق کردن که در روسیه متداول است بکودک می‌آموزد که بزودی بین تمایلات درونی، که بنظر نمی‌رسد مشکلات و موانع خارجی را تحمل کند، محدودیت‌ها و قیود محیط، که بهای پرداختی برای محافظت تمایلات درونی تلقی میشود، تشخیص صریحی بدهد.

در لهستان قنداق کردن مبتنی بر عقاید مختلف است. کودکان لهستانی را بمناسبت شکنندگی استخوان‌هایشان قنداق میکنند. استخوان کودکان بدون کمک قنداق میشکند. نخستین نتیجه قنداق کردن آنستکه اعضا، شکنندگی بدن استحکام لازم را برای دوران جوانی بدست می‌آورند. مانند حوادثی که بنا بر ضرب‌المثل لهستانی عبارتند از: «بیک مائده آسمانی»، یعنی یک بخشش آسمانی، قنداق کردن برای کودکان در باره آنچه تحمل آن در زندگی لازم است درسی محسوب میشود. مثلاً یک جوان نباید بگوید که شغل یا حرفه‌اش خوب است، بلکه بعکس باید بر روی آنچه این حرفه یا شغل برای او ارزش تحمل و زحمت دارد، و در خصوص روح انضباطیکه از آن ناشی میشود، تکیه کند. در نتیجه، آنجا، خصائل مثبت، و احترام خود او وابسته بآن چیزی است که بر خود هموار ساخته است.

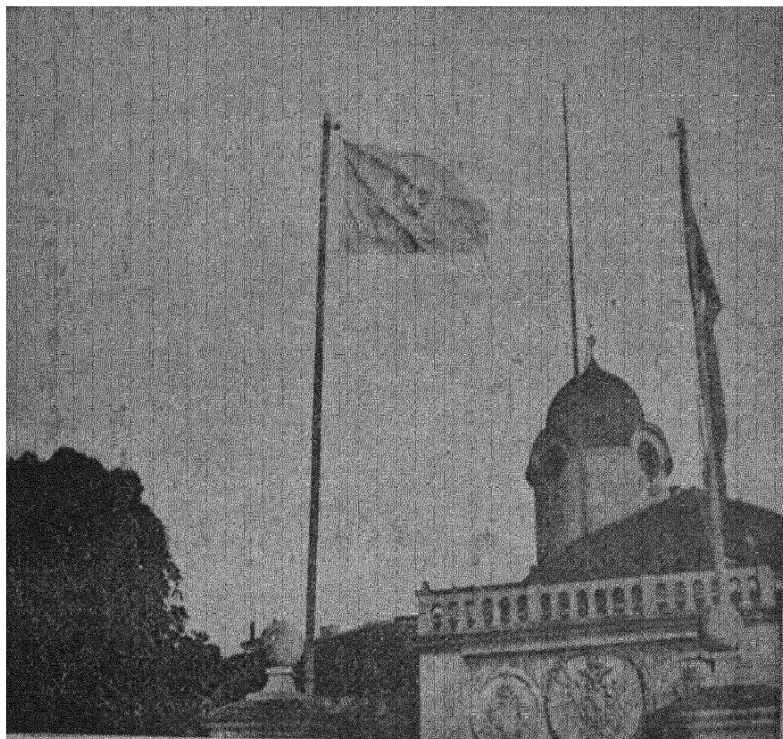
در ایتالیا قنداق کردن مفهوم دیگری دارد. در ایتالیا ی جنوبی وضع متداول در خصوص بهره‌مندی جسمانی، توأم با اغماض است. در آن ناحیه چنین می‌پندارند که تمایلات جسمانی بنوبه خود نکوهیده نیست، هر چند گاهی باید بنا بر علل اجتماعی قیودی را گردن نهاد. احترام یک شخص مبتنی

بر تحمل مصائب نیست، بلکه بر روی اقبال و خوشبختی قرار دارد. بشر بنا بر نوشت، بکار کردن و زحمت کشیدن محکوم است. اما اینها جهات کافی برای ایجاد احترام مردان و زنان تلقی نمیشود. در مورد آنچه که بکردار و منش کودک مربوط است، نه تنها مادران ایتالیای جنوبی و روستاهای متداول در اروپا را برای خشنودی کودکان خود بکار میبرند، بلکه گاهی نوازش آلات تناسلی کودکان را وسیله خواباندن آنان قرار میدهند. باین عنوان که هیچ لذت جسمانی که کودک میتواند آنرا احساس کند نباید نسبت بکودک منع گردد. همچنین ملاحظه میشود که اگر کودک را از قنداق محروم کنند ملول و ناراحت میشود. کودکان برای قنداق شدن گریه میکنند، زیرا از آن لذت میبرند.

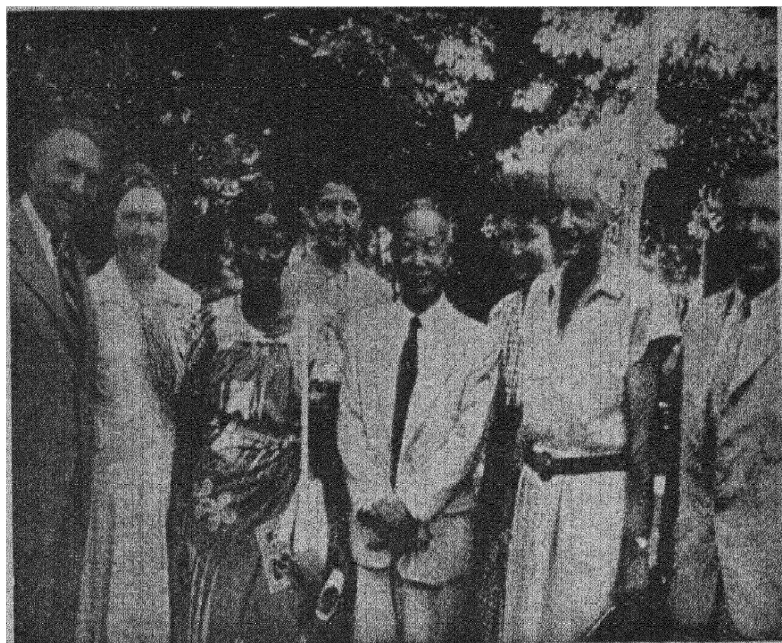
در کشورهایی که درباره شیر دادن بکودکان، طرز عمل دفع، رفتار بانوزادیکه گریه میکند، یک روح اغماض موجود است تربیت روحی کودک اغلب بشیوه‌های مختلف قنداق کردن بستگی دارد. در سایر کشورهای بیشتر نسبت بتربیت کودک بمنظور آموختن شرم و یا بوجود آوردن یک احساس شرم و حیادرمورد اعمال دفع کودک، در سنینی که بنا بر هر کشور مناسب است، اهمیت داده میشود.

تمام این شرایط در سنین مختلف بر حسب کیفیاتی که در دختران و پسران تفاوت میکند، ضرورت دارد، بهلاوه این اختلافات موجود بین دختران و پسران در کشورهای اروپائی بسیار قابل توجه هستند. ممکن است ارتباط خیلی نزدیک بین یک پسر و پدر یا بین دختر و مادر برقرار باشد. یا بعکس ممکن است رابطه فشرده‌ای بین یک جنس و جنس مخالف بوجود آید، یعنی بین پسر و مادر، مانند وضعیکه در ایرلند وجود دارد، همچنین ممکن است این علاقه بین دختر و پدر برقرار باشد. در موردی که پدر و مادر هر دو پسر خود بیشتر توجه میکنند؛ طبیعاً دخترشان فکر میکند که در

يك وضع پست تری قرار دارد و خود را مردود می‌شمارد  
 بنا بجهت بالاضورت دارد که کلیه کشورهای اروپا بنحوی منظم  
 مطالعاتی را که در خصوص زندگی کودکان بعمل آمده است تدوین کنند  
 و اطلاعات حاصل از خانواده‌ها و مربیان را، که خواهند توانست شیوه‌های  
 متداول را برای تربیت کودکان نواحی مختلف جهان و بمنظور احراز  
 شایستگی ایفای نقش «شركت. کنندگان مسؤل» در زندگی ملی تعبیر و بیان  
 کنند، جمع آوری نمایند. کافی نیست که يك نفر آمریکائی مطالعاتی را که  
 در باره کشورهای فرانسه بعمل آورده است یادداشت کند، بلکه باید فرانسویان  
 هم آنچه را که در پیرامون ایشان می‌گذرد یادداشت داشته باشند، زیرا تنها آنان  
 هستند که از داخل خود میتوانند تصویر کاملی بسازند. اغلب برای کسانی که  
 در داخل يك کشور بسر می‌برند مشکل است توجه کنند که مشاهدات آنان  
 يك حقیقت بارز و مسلمی را تشکیل نمیدهد؛ هر کس میل دارد این طور  
 تصور کند که آنچه در تمدن خاص کشور او مشاهده میشود بطور ساده از  
 «طبیعت انسانی» ناشی میگردد. لیکن سنجش و مقایسه این تمدن با تمدنهای  
 دیگر نشان میدهد که این تصور با حقیقت تطبیق نمیکند. اگر میخواهیم  
 بشناسائی و محترم شمردن عقاید و حل مسائل اجتماعی متفاوتی که بین  
 ملل مختلف جهان وجود دارد نائل شویم: بایستی کسانی که مأمور مطالعه تعلیم  
 و تربیت کودکان هستند در نظر بگیرند که وظیفه ایشان از بسیاری از  
 موضوعات ساده مربوط بتجدید نظر در برنامه‌ها تجاوز میکند. ما بایستی از  
 يك واقع بینی و يك نوع اغماض و نرمش، که ما در تقویم ارزش و اقمی عوامل  
 مختلف کمک خواهند کرد، برخوردار گردیم زیرا با استفاده از این نیروها  
 هر ملتی میتواند در ایجاد دنیائی که دوست میداریم در آن زندگی کنیم،  
 اشترک مساعی کند.



پرچم‌سازمان ملل متحد بر فراز کاخ « پودبرادی » که دوره کارآموزی  
در آن برگزار شده در اهتزاز است .



دکتر و بنادیت (نفر دوم از راست) در بین عده‌ای از شرکت کنندگان .

## نقشه تحقیقات دربارهٔ تعلیم و تربیت کودکان در تمدن های مختلف

یادداشت حاضر در حدود تحقیقات دانشگاه کلمبیا را جمع به تمدنهای معاصر تنظیم شده است. دکتر بندیت، آنرا بدورهٔ کارآموزی تحقیقات عملی عرضه کرده است تا نوع اطلاعاتی را که بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت کودکان در کشورهای مختلف اقتضا میکند، نشان دهد. مؤلف در این یادداشت یک سلسله از موضوعات مورد بحث را نام برده و شیوه های مختلف را مخصوصاً برای بررسی تصورات دوران کودکی، جهت اجرا، آنها توصیه کرده است (رجوع شود به بررسی پدیده های ناشی از تصورات کودکان). انتخاب یکی از این شیوه ها منوط به ملاحظاتی مربوط به بسادگی و سهولت استفاده از آن است.

یک چنین تحقیقاتی هنوز از مرحلهٔ ابتدائی خود فراتر نرفته است، ولی باید امیدوار بود که این اقدام برای کسانی که باین مسائل مهم علاقه مندند مفید واقع شود

### ۱- موضوعات بررسی

مسائل مذکور در ذیل بحالات مختلف زندگی اجتماعی کودکان مربوط است. برای پاسخ دادن بآنها، میتوان از مکالمات کودکان (گفتگو، پرسش)، از مطالعه مدارک منتشر شده؛ یا بطوریکه قبلاً بیان گشته از مشاهدات مستقیم، یا از توضیح پدیده های ناشی از تصورات کودکان استعانت جست. این فهرست محدود نیست و در صورتیکه از طریق سؤال استفاده گردد اغلب از طرح مسائل مختلفی که غیر مستقیم پیش می آید، اجتناب خواهد شد

الف- بررسی وضع نسبت پدر و مادر.

چه فوائد و چه مضاری، از نظر افکار عمومی؛ در داشتن اولاد وجود

دارد؟ تعداد مطلوب اولاد کدام است؟ نداشتن اولاد را چگونه تلقی میکنند؟ آیا وسائلی برای مداوای نازایی و یا محدود کردن توالد و تناسل وجود دارد؟ در مورد کودکانیکه از روابط غیر قانونی بوجود آمده‌اند و همچنین دربارهٔ یتیمان چه حقوقی در نظر گرفته شده است؟ پذیرفتن بفرزندی چه شرایطی دارد؟

### ب- دوران حاملگی.

بطور کلی، احساسات عادی يك زن باردار چیست؟ چه تغییراتی دوران حاملگی از نظر رژیم غذایی، روابط ناشوئی، کار و غیره در طرز زندگی او همراه دارد؟ آیا مادر آتیه احساس میکند که از نظر ایجاد يك کودک سالم خود را باید از بعضی جهات ممنوع یا مجاز بداند؟ آیا پدر یا سایر اعضا، خانواده مقید بر عایت بعضی ملاحظات هستند؟

### ج- ولادت.

عکس العمل مادر، پدر یا هر شخص دیگری در مقابل درد ورنج زایمان چگونه است؟ آیا از وسیلهٔ بی‌هوشی استفاده میکنند؟ چه کسی در ولادت کودک کمک میکند؟ محل ولادت کجاست؟ کودک پس از زایمان از مادرش جدا میشود؟ بمنظور تأمین سلامت نوزاد چه تدابیر احتیاطی و مراسمی وجود دارد؟ آیا این اعمال بر حسب دختر یا پسر بودن نوزاد تفاوت میکنند؟

### د - تغذیه.

۱- شیردادن. چه مدتی پس از ولادت کودک برای نخستین بار تغذیه میکنند؟ آیا از پستان یا بوسیلهٔ پستانک تغذیه میکنند؟ بوسیلهٔ چه کسی؟ هنگام شیردادن کودک را در چه حالت و وضعی قرار میدهند؟ چه موقعی کودک تغذیه میکند؟ هنگامیکه گریه میکند یا در فواصل زمانی معین؟ آیا گاهی از غذا دادن باو خود داری میشود؟ در صورت مثبت بر او چه میکنند؟ وقتی که کودک دیگر نمیخواهد بنوشد، آیا چنین نتیجه گرفته میشود که

دیگر گرسنه نیست یا اینکه بزور میخواهند بلو بخوراند؟ عکس-  
 العمل مادر نسبت بشیردادن از پستان چیست؟ آنرا مطبوع تلقی میکند  
 و این عمل را سهل میانگارد یا بلحاظ از دست دادن سلامت و زیبائی خود از آن  
 بیم دارد؟ مادر بیکه شیر بحد کافی ندارد چگونه تلقی میشود؟ آیاطی دوران  
 شیردادن، روابط زناشویی تابع محدودیت هائی قرار میگیرد؟

۲- از شیر گرفتن چه موقعی انجام میشود؟ در يك سال معین یا در  
 سنین متفاوت بر حسب عکس العمل هائی که هر کودک از خود نشان میدهد؟  
 موقعیکه مادر مناسب تشخیص میدهد یا وقتیکه مادر در انتظار کودک  
 جدیدی است؟ آیا باین حساب که کودک گاز میگیرد یادندان در میآورد؟ از  
 شیر گرفتن کودک روز بعد از تصمیم عملی میشود یا متدرجاً؟ آیا مادر برای  
 منزجر کردن طفل از پستان باو تلقین میکند؟ آیا قبل یا بعد از شیر گرفتن  
 چیزهائی مثلاً پستانک برای مکیدن بکودکان میدهند؟ برای تسهیل دندان در  
 آوردن کودک کان چیزهائی بآنها میدهند که گاز بگیرند؟ آیا از شیر گرفتن  
 يك نتیجه مفروض در کودک بیار میآورد و در صورت مثبت، آن کدام  
 است؟ در باره کودکی که انگشت خود را میمکد چه روشی بکار میبرند؟

۳- تغذیه مواد جامد. از چه موقعی تغذیه مواد جامد ضمن رژیم  
 غذایی کودک شروع میشود؟ قبل یا پس از شیر گرفتن؟ نخستین غذاهای  
 جامد چیست؟ آنها را چگونه بکودکان میدهند؟ با قاشق، با دست، یا  
 قبلاً بوسیله مادر جویده میشود؟ غذای کودک را جدا گانه میدهند یا با  
 بقیه اعضا خانواده؟ چه موقعی غذای کودک را میدهند: هنگامی که  
 گرسنه است یا در فواصل زمانی معین؟ آیا بیم دارند از اینکه کودک از  
 خوردن غذا امتناع کند، یا بقدر کافی غذا نخورد؟ در این صورت چه  
 روشی در قبال او پیش میگیرند؟ آیا میترسند از اینکه کودک زیاد بخورد؟

در این صورت نیز با او چه میکنند؟

غذاهائی که بخصوص برای کودکان مفید یا مضر تشخیص داده میشوند، کدام هستند؟ نسبت به چه اغذیه‌ای کودکان احساس اشتها یابی میلی میکنند؟ آیا کودکان را با دادن غذائی که دوست دارند در قبال خوردن غذائی که دوست ندارند، تشویق میکنند؟ آیا موقعی که کودک کار خوب یابدی میکند از نظر غذا در باره او تشویقات یا تنبیهات دیگری وجود دارد؟ آیا رژیم غذائی کودک مانند رژیم غذائی بزرگسالان است یا با آن تفاوت دارد؟

در چه سنینی يك کودک میتواند به تنهایی غذا بخورد؟ تا چه سالی سالمندان غذا دادن بکودک را گاه گاه ادامه میدهند؟ چگونه باید کودک پشت میز قرار گیرد؟ چه موقعی و چگونه با او یاد میدهند که خوب بنشیند؟

#### ۵ - اعمال دفع .

از چه موقع شروع میکنند کودک را بپاکیزگی عادت دهند؟ آیا مادر او را در انجام این وظایف تشویق میکنند؟ از چه سالی کودک وقتی که خود را کثیف یا خیس میکند او را سرزنش یا تنبیه میکنند؟ آیا کلانسالان از کثیف بودن کودک اظهار نفرت میکنند؟ چگونه عادت پاکیزگی را بکودک القاء میکنند؟ آیا کودک را روی ظرف قرار میدهند یا او را بخارج میبرند؟ از چه سالی او احساس میکند که باید پاکیزه باشد؟ آیا شیوه‌های مختلفی برای فهماندن کودک باینکه خود را کثیف یا خیس نکند بکار میبرند؟ آیا مادر میخواهد عمل دفع کودک سریع انجام شود؟ آیا او اندازه و وضع مدفوع کودک را در نظر میگیرد؟ تا چه سالی؟ آیا اصولاً این موضوع قابل قبول است که عادات نیکو را در يك دختر ساده‌تر میتوان رسوخ داد تا يك پسر؟ در صورتیکه کودک دچار بی‌بوست یا اسهال گردد آیا مادرش مضطرب میشود؟ داروهای احتیاطی یا درمانی که در موارد مشابه

بکار میروند، کدام هستند؟ آیا مجموعه‌ای مخصوص کودک در باره مسائل راجع به پاکیزگی وجود دارد؟ در چه سنینی بکودکان یاد میدهند که احتیاجات خود را در معرض عامه تأمین نکنند و از آن حرفی نزنند؟ آیا بزرگسالان در تأمین حوائج خود در حضور کودکان احتراز میجویند؟ در صورتیکه کودک دچار نفخ، سسکسه و آروغ بشود برای رفع آن چه وسیله‌ای بکار میبرند؟

### ۹ - توسعه عوامل محرك .

آیا البسه طوری تهیه شده که بهیچوجه برای حرکات بدن کودک زحمتی ایجاد نکنند؟ چه عواملی موجب میشود که البسه برای جلوگیری از حرکات کودک تهیه گردد - مثلاً کهنه‌های کودک؛ انانی که منحصرأ بکودک اختصاص داده شده کدام است؟ اشخاص بزرگ کودک را همراه خود میبرند؟ آنان چه کسانی هستند؟ آیا این کار غالباً انجام میشود؟ در این صورت چه وضعی بکودک میدهند؟ در چه مقیاسی کودک در این حرکات خود آزاد است؟ در چه سنی؟ آیا بدین موضوع توجه میشود که کودک بفرام کردن تکیه‌گاههایی برای خود اهمیت میدهد؟ آنها کدام است؟ در چه موقع و چگونه کودک راه رفتن با چهار دست و پا را یاد میگیرد؟ آیا او بدین کار تشویق میشود یا نه؟ چه موقعی راه رفتن را یاد میگیرد؟ آیا او را برای زود راه رفتن تشویق میکنند؟

در داخل خانه، حدودیکه کودک میتواند در آن آزادانه حرکت کند چیست؟ چگونه کودک در مقابل خطرانی که در داخل منزل (از قبیل بخاری و غیره) یا در خارج از منزل (عبور از کوچه و خیابان، خطر کم شدن) او را تهدید میکند، محافظت میشود؟ در صورتیکه کودک گم شود، مادرش دچار اضطراب میگردد، کودک را تهدید میکند، او را تنبیه میکند، یا از موجودات وحشتناکی که با او گزند خواهند رساند، با او صحبت میکند؟

در چه مقیاسی بزرگتر از کودک توقع دارن استراحت کند؟ چه وقت و برای چه مدتی؟ وسائل بازی که برای تشویق کودک بکار میرود کدام است؟  
ز - خواب .

در صورتیکه کودک نخواهد برخت خواب برود چه میکنند؟ بطریق اقتناع یا تهدید با او رفتار میکنند؟ او را از «لولو» میترسانند یا مادرش او را درخت خواب قرار میدهد؟ آیا کودک در همان اطاقی که پدر و مادرش استراحت میکنند، میخوابد یا در اطاق برادران و خواهرانش؟ آیا برای او رختخواب جداگانه‌ای وجود دارد یا با دیگران میخوابد؟

### ح - بهداشت .

در سنین اولیه، بطور کلی شدیدترین خطرات برای کودکان خردسال از قبیل: برودت، رطوبت، کثافت، افراط در خوردن، افراط در حرکت، خراش‌هایی که با ناخن خود روی بدن ایجاد میکنند، کدام است؟ پیش‌بینی‌های مقدماتی بهداشتی که در بارهٔ کودک اجراء میشود چیست؟ چگونه از کودک بیمار مراقبت میشود؟

### ط - تماس‌های بدنی، استمناء و حرکات شهوانی .

چه کسی کودک را در آغوش میگیرد، او را نوازش میکند، او را میان بازوان خود قرار میدهد، او را روی زانوهای خود مینشاند، او را میخندانند و یا گهوارهٔ او را تکان میدهد، این اعمال تا چه اندازه صورت میگیرد؟ آیا این تماس‌ها بر حسب سن و جنس کودک تغییر میکنند؟ آیا تحت قیود و شرایطی انجام میگیرد؟ آن شرایط کدام است؟ آیا کودک برای در آغوش گرفتن و بوسیدن اشخاص تشویق یا وادار میشود؟ آیا موقعی که کودک استحمام میشود به قسمت‌های تناسلی او توجه مخصوص مینمایند یا عمداً از آن دوری میکنند؟ آیا در مجموعهٔ مربوط بکودکان بخش‌های خاصی جهت تعیین قسمت‌های تناسلی وجود دارد؟

آیا عمل استمناء برای کودکان مجاز است؟ آیا این عمل استثنائی تلقی میشود؟ آیا توجه میشود که دو جنس مختلف در این خصوص وضع متفاوت و متمایزی دارند؟ نتایج متصوره استمناء چیست؟ چگونه از ادامه آن جلوگیری میکنند؟ از طریق تهدید، مجازات یا بوسیله بستن دستهای کودک؟

آیا کودکان بین خودشان به حرکات شهوانی مشغول میشوند، مثلاً بازی «دکتر» را انجام میدهند؟ این قبیل حرکات و بازیها چگونه تلقی میشود؟

### ی - لباس و برهنگی .

در چه سنینی بکودک تلقین میشود که از عریان بودن خود احساس شرمساری کند؟ در مقابل چه کسی؟ برائی جبران کم حیائی کودک چه رفتاری میکنند؟ آیا در این خصوص بر حسب دختر یا پسر وضع متفاوتی وجود دارد؟ تا چه سالی در موقع لباس پوشیدن و لباس در آوردن بکودک کمک میشود؟ آیا اعضاء خانواده در مقابل کودک لباس خود را از تن در میآورند؟ از چه سالی دیگر بکودک لباس نمیبوشانند؟ آیا در تهیه لباس برای پسران یا دختران تفاوت قائل میشوند؟ از چه سالی؟

### یا - تمایز بین دختر و پسر .

در چه سالی اختلاف حالات بین پسران و دختران احساس و ظاهر میشود؟ به چه چیزهایی این اختلافات بستگی دارد؟ طرز انتخاب و سائل بازی، نوع بازیها، روح تعدی و تجاوز؟ وقتی يك پسر رفتاری «مانند يك دختر» دارد یا موقعی که يك دختر اعمال پسرانه را انجام میدهد آنرا چگونه تلقی میکنند؟ آیا اصطلاحاتی از قبیل «مرغ خیس شده» و «پسری که چیزی کم دارد»، بکار میرود؟ آیا پسران و دختران از سنین معینی، در مدرسه یا در زندگی جاری، از یکدیگر جدا میشوند؟ آیا پدر،

دختر را و مادر پسر را ترجیح میدهند یا آنکه وضع معکوسی وجود دارد؟ آیا پسر بیشتر با پدر یا مادرش بسر میبرد؟ یا بایکی از اعضای خانواده بیشتر مانوس است؟ همین وضع آیا در مورد دختر هم صدق میکند؟ آیا این امتیاز بر حسب سن تغییر میکند؟

یب - روابط بین برادران و خواهران .

آیا کودک از ولادت نزدیک نوزاد قبلاً اطلاع یافته است؟ چگونه تولد کودکان را برای او توضیح میدهند؟ در صورتیکه کودک در این باره کنجکاوی نشان بدهد چه عکس العملی ابراز میکنند؟ آیا کودک در موقع زایمان حضور مییابد یا در آن لحظه او را از آنجا دور نگه میدارند؟ چه کسی مراقبت کودک را هنگام ولادت نوزاد برعهده میگیرد؟ کودک با نوزاد چگونه رفتار میکند؟ آیا تظاهرات حسد آمیز از ناحیه او سر میزند و برانگیخته میشود؟ آیا اعضای خانواده احساس کودکان را در این باره تحریک میکنند یا رجحانی برای آنان قائل میشوند: مثلاً امتیازی که مادر برای کودک عزیز خود در نظر میگیرد؟ آیا بین کودکان بر حسب سن و شرایط مخصوص تفاوتی قائل میشوند؟ این تقدم بستگی بآن دارد که «یکی از آنان را برای بازی بیباغ میفرستند» یا دیگری مثلاً آخرین کودک را «روی زانوهای خود قرار میدهند»؟ برای کودک بزرگتر یا کودک کوچکتر حسن یا عیبی قائل میشوند؟ آیا کودکان هم جنس بیشتر با هم سازش میکنند؟ یا کودکان جنس مخالف؟ در چه صورت بین برادران و خواهران کشمکش و نزاع بوجود میآید؟ آیا منازعات بیشتر بین کودکان هم جنس یا مختلف الجنس ایجاد میشود؟ اعضای خانواده در این میان چه نقشی دارند؟

یج - سایر روابط با اعضای خانواده .

آیا اساساً مادر مراقبت مولود جدید را برعهده دارد؟ در غیر این

صورت چه کسی این کار را انجام میدهد؟ روابط این شخص با مادر و کودک چگونه است؟ چه مدتی این شخص نزد آنان باقی میماند؟ روابط اولیه کودک با پدرش چگونه است؟ روابط از لحاظ بازی یا اطاعت از پدر؟ چه کسی در وهله اول تصمیم به مجازات کودک میگیرد؟ چه کسی آنرا اجراء میکند؟ (مثلاً، آیا مادر تصمیم میگیرد که باید طفل را تنبیه کرد و آنگاه پدر مجازات را در باره او اجرا میکند؟) آیا اعضاء خانواده در رفتار بد کودک مؤثر هستند؟ یا یکی از ایشان با کودک در کتمان این رفتار زشت در مقابل دیگری همداستان میشود؟ رفتار اعضاء خانواده نسبت بیکدیگر و در حضور کودک چگونه است؟ آیا عدم توافق آنان در باره انضباط بتظاهر صریحی منتهی میشود؟ آیا ایشان در باره سایر مسائل هم مجادله میکنند؟

آیا کودکان تعلیم یافته اند که در مقابل اعضاء خانواده خود سپاسگزاری کنند؟ یا اعضاء خانواده چنین میپندارند که موظف به تربیت کودکان خود هستند؟ چه خودخواهی ها پدران و مادران در کودکان خود نشوونمایند؟ تحت چه اشکالی بین اعضاء خانواده و کودکان کشمکش و نزاع در میگیرد؟ ریشه آن چیست؟ دعوا چگونه ختم میشود؟ آیا کودک باید پوزش بخواند؟ آیا منجر میشود باینکه اعضاء خانواده بخطاهای خود پی ببرند؟ تا چه سنینی و در چه حدودی سلطه پدر و مادر نسبت بکودک ادامه مییابد؟

ید - روابط با بزرگسالان بطور کلی .

بغیر از اعضاء خانواده، بزرگسالانی که نقش مهمی طی دوران اولیه کودکی ایفاء میکنند، چه کسانی هستند: دایه ها، خویشان، دوستان خانواده؟ آیا اینان با خانواده کودک زندگی میکنند؟ اغلب آنان را میبینند؟ تا چه اندازه میتوانند جای اعضاء خانواده را بگیرند؟ آیا بیشتر یا کمتر از اعضاء خانواده نسبت بکودک جدی هستند؟ آیا کودک باید خود را

نسبت با نان مؤدب نشان بدهد؟ آیا در معاشرتها و ملاقاتها کودک را دور می‌کنند؟ کودک هنگام ملاقات چگونه باید رفتار کند؟

### یه - موضوعات شخصی .

چگونه بکودک می‌آموزند آنچه را که متعلق باو نیست برندارد: با استدلال، با امر کردن، با خشونت، با سیلی زدن، با پس درفتن چیزیکه برداشته است؟ آیا بطور ساده باو می‌فهمانند آنچه را در دست دیگری است نگیرد یا چیزهایی را از روی زمین برندارد؟ بچه نحو کودک را از دست زدن باشیاء شکستنی یا چیزهایی که ممکن است او را بسوزاند یا مجروح کند، باز میدارند؟ آیا کودک دارای اشیاء خصوصی است؟ کدام اشیاء؟ تاچه اندازه آزاد است آنچه را که میخواهد انجام دهد؟ آیا توجه میشود باینکه بطور کلی کودکان غریزه و تمایل تخریب دارند؟ چگونه باو می‌آموزند که این غریزه را مهار و سرکوب کند؟ چه وسائلی را در سنین مختلف برای بازی کودکان بکار میبرند: اسباب خانه، اسباب بازی بمعنی مطلق، اسباب بازیهای کوچک یا بزرگ - مجتمع و متصل یا منقطع و جدا شده، و غیره؟

### یو - تکلم .

آیا بطرز بیان احساسات یا ادراکات (گر سنگی، درد، خشم) در کودکان توجه و دقت میشود، و آنها کدام هستند؟ چه عکس العملی بزرگسالان در موقع فریاد و دریه کودک نشان میدهند؟ چگونه و چه وقت بکودک می‌آموزند که نباید گریه کند؟ در چه مورد گریه کودک را هر اندازه بطول انجامد تحمل میکنند؟ آیا در این خصوص اختلافی بین پسر و دختر قائل میشوند؟

آیا نخستین کوششهای کودک برای سخن گفتن باتشویق، تحمل و بردباری، یا با بی حوصلگی مواجه میشود؟ آیا صحبتهای کودکانه

خوش آیند یا نامطبوع تلقی میشود؟ چه کسی با کودک صحبت میکند؟  
 چه موقع؟ با کودک باخشونت یا با ملایمت حرف میزند؟  
 آیا بکودکان طرز موزون کردن صدای خود را تعلیم میدهند؟  
 همچنین قواعد زبان را میآموزند؟ بزرگسالان بهنکام صحبت کودک را  
 بحال خود میگذارند یا اغلب آنان را بخاموش ماندن و گوش دادن مجبور  
 میکنند؟ از کودکان توقع دارند که اعمال خود را از شکل عادی خارج  
 نکنند؟ در چه سنینی از آنان میخواهند که وهم و تصور را از حقیقت، و دروغ  
 را از راست تشخیص دهند؟ چه اهمیتی برای سادگی و صداقت قائل میشوند؟  
 یز - آموزش.

از چه سالی تعلیم کودک شروع میشود؟ تعلیم در خانه یا خارج از  
 آن داده میشود؟ چه اهمیتی اعضاء خانواده برای مطالعه در نظر میگیرند؟  
 چه اختلافی بین آموزش دختران و پسران وجود دارد؟ مر بیان معمولاً  
 زن هستند یا مرد؟ آیا این وضع طی دوران مطالعه تغییر میکند؟ چه تصویری  
 بطور کلی کودکان از معلم خود دارند؟ آیا معلم در کودک ترس، تحسین  
 یا تحقیر را تلقین میکند؟ کودکان اطوار معلم را تقلید میکنند؟ چه ارتباطی  
 بین انضباط آموزشگاه و خانواده وجود دارد؟ آیا انضباط خانه از دبستان  
 محکم تر و جدی تر است؟ آیا کودکان بعلت بد کار کردن در کلاس در  
 خانه شان تنبیه میشوند؟ آیا اعضاء خانواده بتصمیمات معلم ایراد و اعتراض  
 میکنند؟ آیا کودک کی که در آموزشگاه مطیع و عاقل است در خارج از  
 دبستان تشویق یا تحقیر میشود؟

روابط بین شاگردان. چه نوع مسابقه و رقابت بین آنان وجود  
 دارد؟ آیا رقیبها نسبت بیکدیگر بدوستی یا دشمنی تظاهر میکنند؟ آیا  
 «دسته بندیهای» تشکیل میشود؟ دوستی های شدید بی ایجاد میگردد؟ از چه  
 سالی؟ دوستی که در دبستان بوجود آمده چه مدتی بطول میانجامد؟ اختلاف

جنس در این دوستی‌ها مؤثر است؟ روابط بین دختران و پسران در سنین مختلف.

یح - بازیها، آوازه‌ها، داستانها.

چه نوع بازی، ورزش یا فعالیت‌های بدنی کودکان در سنین مختلف انجام میدهند؟ آیا ورزش‌های فردی، از قبیل شنا و دوچرخه سواری، ترجیح دارند یا بازیهای دسته‌جمعی؟ چه ارزشی برای کیفیتهای ورزشی قائل هستند؟ بازیها بر حسب دختران و پسران متفاوت هستند؟

آیا آوازه‌هایی برای کودکان وجود دارد؟

آیا داستانهایی برای کودکان تنظیم شده است؟

آیا کتابهای ممنوع یا قبیح موجود است که کودکان در پنهانی آنها را میخوانند؟ آیا بزرگسالان داستانها و کتابهای متناسب دوران کودکی را بخاطر دارند؟ آیا بزرگسالان خواندن را بکودکان میآموزند؟ تاچه سالی؟ ازچه سالی کودکان میتوانند کتابها را برای بزرگسالان بخوانند؟ چه کتابهایی را برای شروع بخواندن انتخاب میکنند؟

بط - کار.

ازچه سالی کودکان بکار کردن شروع میکنند؟ در خانه یا خارج از آن کار میکنند؟ چه اختلافی در کار کردن بر حسب جنس وجود دارد؟ آیا کودکان بر اثر خوب کار کردن تشویق و بعثت بدکار کردن تنبیه میشود؟ وضع اعضا، خانواده و کودکان در مقابل کار کودکان؟ کارهای مخصوص کودکان؟ ساعات کار؟

ك - دوران شباب.

بلوغ بایک تحول ناگهانی یا تدریجی ظاهر میشود؟ آیا بلوغ همراه با «مراسم تحول» و مستلزم اندرز و نصیحت است؟ آیا بلوغ با تغییر طرز

زندگی، لباس، کاهش یا افزایش آزادی همراه است؟ آیا کودکان بر حسب جنس، حالات و رفتار مختلفی دارند؟ چه چیز و چگونه بدختران دربارهٔ حیض (قاعدگی) میآموزند؟ چه کسی بآنان آگاهی میدهد؟ از کجا پسران اطلاعات خود را در خصوص زندگی جنسی کسب میکنند؟ چه اهمیتی برای عفاف قائل میشوند؟ رفتار معمولی جنسی جوانان چیست؟ آیا اعضاء خانواده بدان آگاهی دارند؟ آنرا تأیید و قبول میکنند؟ یک عشق افسانه‌ای نسبت به یک موضوع غیر قابل حصول امری عادی تلقی میشود؟ عشق‌های اولیه محلی برای ابراز بدست میآورند؟ به چه کسی اظهار میشود؟ آیا موضوع آن معمولاً همسال، بزرگتر یا کوچکتر از اوست؟ آیا جوانان از مرحلهٔ «بحرانی و طوفانی» گذاشته اند؟ آیا آنان بزهد یا بی دینی تظاهر میکنند؟ آیا تمایل و گرایش بسوی عقاید خارق العاده دارند؟ تمایلی بسرکشی و عصیان نشان میدهند؟ در صورت مثبت بر ضد چه قدرت: قدرت خانوادگی، آموزشگاهی، سیاسی، ادبی، آیا جوانی بمثابة دوران خوشبختی یا بدبختی تلقی میشود؟ بر آن نام مخصوصی اطلاق میکنند؟ در چه دورانی یک پسر یا یک دختر جوان احساس میکند که بسن رشد رسیده است؟

## ۲- روش‌های تجسس

الف - مذاکره و گفتگو:

۱- با اعضاء خانواده، در خصوص تعلیم و تربیت کودکان؛

۲- با بزرگسالان، دربارهٔ خاطرات دوران کودکی؛

(تذکر: بهتر است بندهای ۱ و ۲ تلفیق شوند، بدین معنی که از

اعضاء خانواده درخواست شود که کودکان خود را در نظر بگیرند و

خاطرات مخصوص دوران کودکی خویش را بیاد آورند.)

۳- با اشخاصی که بمناسبت حرفهٔ خویش با مور کودکان علاقه مندهستند

مانند، معلنان، مریبان، کارکنان اجتماعی، مدیران کانونهای کودکان؛

۴ - باخود کودکان

ب - اسناد منتشرشده

۱ - مجلات مربوط بر رشد و تربیت کودکان ، روانشناسی کودکان

و غیره .

۲ - کتب مربوط بکودکان .

ج - ملاحظات مستقیم درباره کودکان :

۱ - در روابط بااعضا، خانواده ، با سایر بزرگسالان و کودکان .

۲ - در خانه ، در هوای آزاد ، در دبستان و غیره .

د - بررسی پدیده های تصویری کودکان (بضمیمه ، صفحه ۳۵

مراجعه شود) :

۱ - نقاشی :

اول ( یک موضوع انتخابی : روی یک صفحه سفید ، در یک مربع مستطیل معین ؛

دوم ) یک مرد و یک زن ؛

سوم ) مردمیکه یکدیگر را میزنند ؛

چهارم ) آنچه را که کودک میتواند بسیار مطبوع یا خیلی ناپسند

تصور کند ؛

پنجم ) چیزیکه در کودک تولید وحشت میکند ؛

ششم ) یک وهم و خیال ؛

هفتم ) داخل خانه کودک ؛

( تذکر : توضیحاتیکه بوسیله کودکان درباره نقاشیهای خود داده

میشود باید با دقت استماع و ذکر گردد )

۲ - داستانهای خیالی و داستانهای حقیقی که از کودک میخواهند آنها را نقل کنند و کلمه بکلمه بنویسد :

اول ( داستان مورد علاقهٔ کودکان ؛

دوم ( زندگی یک پسر یا دختر کوچک بی ادب ؛ داستان یک دختر یا یک پسر کوچک خوب و عاقل ( بر حسب جنس. کودک ) ؛

سوم ( در صورتیکه آرزوی بسیار عزیز کودک بر آورده شود ، چه میکند ؟

چهارم ( توصیف کودک بوسیلهٔ خودش ؛

پنجم ( شرح حال کودک .

۳- بازی تخیلی : مانند اجرای صحنه‌های کوچک بوسیلهٔ عروسکها.

### ضمیمه

شیوه‌های تکمیلی بمنظور بررسی پدیده‌های تخیلی

الف ( شرایط مصاحبه و ملاقات .

بهر است مطالعه کننده باید و یاد و کودک تقریباً همسال تنها ملاقات کند . در صورتیکه کودک مطالعه کننده را شناسد بهتر است آرامش خاطر او با حضور کودک دیگری فراهم شود . در این صورت دو کودک داستانهای مشابهی اختراع و نقل خواهند کرد . از این طریق ، میتوان تأییری را که یکی برد دیگری میکند ، مشاهده نمود . لیکن اگر کودک با مطالعه کننده تنها باشد ، آسانی بکوشش هائی که مطالعه کننده در بارهٔ او معمول خواهد داشت ، خاتمه خواهد داد .

ب - وسائل معرفی .

بکودکی که سن او هنوز بدورهٔ دبستان نرسیده کافیت گفته شود که اسباب بازی را میخواهند باونشان دهند: از قبیل عروسکهای کوچک، کاغذ، مداد، خمیر برای درست کردن اشیاء. آنگاه باید او را بحال خود گذارند تا بمیل خود بازی کند و آنچه میخواهد انجام دهد. در صورتیکه کودک باعروسکها سرگرم بازی شود، باید از او آنچه را که این عروسکها نمایش میدهند، پیرسند و او را تشویق کنند که حرکات آنها را شرح دهد. در صورتیکه کودک نقاشی کند، باید باو بگویند که میخواهند يك تصویر بسازد. برای آنکه کودک داستانهائی را نقل کند، بشرط اینکه آنرا دوست بدارد و داستانهای جالبی بیاد داشته باشد یابیکی از آنها را بتواند بازگوید، کافی است همان را از او بخواهند.

یشک، میتوان بازیهای تخیلی، نقاشی و داستانها را برای تقویت نیروی ذهنی کودک تلفیق کرد. مثلاً: موقعیکه کودک باعروسک، بازی میکند، مطالعه کننده میتواند باو بگوید: «عروسک مرا وادار کنیم که کار زشتی از او سرزند: او را به چه کاری وادار کنیم؟ مادرش چه خواهد گفت؟». کودک خواهد توانست بیازگفتن يك داستان در خصوص تصویری که خواهد ساخت یابه تخیل داستانهائی که نقل خواهد کرد، راهنمایی و مساعدت شود! شاید کودک در حال ساختن يك مجسمه باخمیر، آسانتر بتواند صحبت کند.

نباید در روشهای مذکور، يك برنامهٔ منجز و خشک جستجو کرد. بلکه باید آنرا باتمایلات کودک وفق داد. معیناً مفید خواهد بود که حداقل شیوههای قابل اجرا، در مورد هر يك از کودکان تعیین گردد: مانند باز گذاردن طفل بحال خود تا هر طور میخواهد نقاشی کند، صورت يك مرد و يك زن را ترسیم نماید، داستانهائی از کودکان مطیع و عاقل یا کودکان شریر نقل کند.

هنگامیکه کودک به سن دبستان میرسد میتوان دربارهٔ او روش مستقیم‌تری بکار برد: مثلاً بکودک میگویند نقاشی کند یا داستانهایی را باز گوید. بعضی اوقات در صورتیکه بکودک بگویند که داستانها و آثار نقاشی کودکان را جمع آوری خواهند کرد تا از آن کتابی بوجود آورند، کودک کار را با علاقه و ارادهٔ بیشتری انجام میدهد.

### ج - مقاومت کودک .

کودک ممکن است بطور کلی از خود بدگمانی نشان دهد، یا از اجرای کارهای معین امتناع ورزد و یا هر دو اشکال وجود داشته باشد. شایسته است اصولاً اعتماد کودک بنا بر قابلیت و استعداد او جلب گردد و متقاعد شود که مطالعه کننده با علاقه مند است و اطمینان حاصل کند که این یا آن کار معین را میتواند انجام دهد. البته هرگز نباید تمام آزمایش را برای گرفتن باره ای نتایج بکار برد. چه بسا کودک از انجام کارهای معینی اصرار دارد ولی ممکن است در دفعهٔ دیگر آنرا خوب تلقی کند. باید بکاری شروع کرد که کمتر مقاومت کودک را برانگیزد، مثلاً آنچه احتمالاً ایستادگی کودک را بیزان کمتری موجب خواهد شد آنستکه از کودک بخواهند یک مرد و یک زن را نقاشی کند، یا باو بگویند « نامطبوع ترین چیز را که تصور میکند » ترسیم نماید.

غالباً مفید است که مطالعه کننده جانب کار خود را رعایت کند و خویشتن را از هر گونه تلقین محفوظ بدارد. در صورتیکه کودک در شروع یک داستان درنگ و تأمل کند میتوان باو موضوع دیگری را یاد آوری و معرفی کرد: مثلاً در بارهٔ داستان پسر کوچک یا دختر کوچک بی ادب، مشاهده کننده خواهد توانست پیرسد: آیا هرگز شنیده‌ای از یک پسر کوچک حماقتی سرزده باشد؟ شاید ما میتوانستیم چیزی اختراع کنیم؟ و غیره. مطالعه کننده میتواند همچنین شروع

بنقل يك داستان كند و در عين حال از وارد كردن مطالب تازه در آن امتناع ورزد ولی بايد كمك كند كه وضع مناسبی بوجود آید ، مثلاً عبارات تجسم دهنده ای را ادا كند از قبیل : « وقتی پسر كوچكى در يك خانه ، در يك شهر بزرگ زندگی ميكرد ، وغيره . »

#### د - تذکرات

لازم است شرایطی را كه در آن تحقیقات بعمل می آید در نظر گرفت. در خانه ، در مدرسه ، در حضور يك یا چند كودك وغيره. همچنین باید محیطی را كه كودك كارهای مختلف خود را در آن انجام میدهد ، در نظر داشت. بعلاوه این موضوع حائز اهمیت است كه مطالعه كننده سوالات مخصوص و ملاحظات شخصی خود و همچنین آنچه را كه كودك میگوید یادداشت كند .

# تأثيرات غير طبيعى در روحية كودك

گزارش دسته

تنظيم شده بوسيله :

رولاند آساتيانى (فرانسه) (۱)

خانم او اباستاد (نروژ) (۲)

بها باناندا دوتا (هند) (۳)

اوسين تيل (لوکز امبورگ) (۴)

تحت نظر:

خانم آگاتا باولى (انگلستان) (۵)

رئيس دسته

يك فرد متعادل و كسيكه بر رشد روحى نائل آمده است بخوبى وظيفه اجتماعى خود را ايفاء ميكند و چنين شخص يكى از مردم خوب جهان محسوب ميشود و هر كسى كه تعادل يار شده او بمرحله مطلوب نرسيده است، رجحان دارد. اين حقيقتى است كه همه بدان اعتراف دارند.

## رشد روانى

تعيين آنچه ما از «رشد روانى» استنباط ميكنيم و اجدا هميت است خاصه اينكه ما بخواهيم بكوندك در حصول آن كمك كنيم. موقعى ميتوانيم از «رشد روانى» سخن بمان آوريم كه يك فرد بتواند :

احساسات خود را بطريق رضائت بخشى بيان كند ؟

بر انگيزه هاى خود مسلط و حاكم باشد ؟

عكس العمل سريع نشان دهد ؟

Mlle Eva. F. Baastad - 2

Lucien Thill - 4

Roland Assathiany - 1

Bhabananda Dutta - 3

Mlle Agatha H. Bowley - 5

حقوق و خواسته‌های اجتماعی و نیازمندیهای دیگران را بشناسد :  
خود را با اوضاع دشوار بطریق مطلوبی وفق دهد ؛  
مسئولیت‌هایی را برعهده بگیرد .

فردی که بچنین رشد روحی نائل گردد ، استوار و شایسته انطباق  
با محیط است ؛

وی میتواند حاکم بر وجود خود باشد ، صفات نرمی و اغماض ،  
اجتماعی بودن و صلاحیت بر او اطلاق گردد .

### احتیاجات اساسی روانی

رشد روانی کودک ممکن است تحت تأثیر پاره‌ای عوامل ارثی ،  
که تغییر آنها امکان پذیر نیست ، قرار گیرد - مثلاً عملی که کم یابیش واجد  
خصوصیت ذهنی و ادراکی است ، يك اختلال عصبی ارثی یا رنج بردن از  
ناتوانی مفرط بدنی . اعضاء خانواده ، معلم و اطرافیان کودک و سائل  
مؤثری برای کمک بحصول مرحله مطلوب رشد روحی او در دست دارند .  
مهمترین تأثیریکه آنان دارند ارضای حواجج اساسی روانی کودک است .  
این نیازمندیها را میتوان به ترتیب زیر خلاصه کرد :

۱ - روابط روحی با بزرگسالانی که در زندگی کودک نقشی را  
بازی میکنند ( بطور کلی پدران و مادران ) ؛

۲ - احساس امنیت ؛

۳ - احساس وابستگی و تعلق ؛

۴ - امکان تکامل آزاد از نقطه نظر بدنی ، فکری و ذهنی

و همچنین استغنائی شخصیت کودک و قبول مسئولیت بر حسب رشد او ؛

۵ - مراقبت صحیح از جانب یکی از سالمندانی که در کودک

نفوذ دارد .

هرچند تمام این نیازمندیها بمنظور رشد روانی کودک باید تأمین

گردد، لیکن مطلب اول محتملاً اساسی تر و عمیق تر است . تجارب مکتسب در زمینه روانشناسی تربیتی بوضوح نشان داده است که اگر کودک در زندگی بستگیهای روانی ارضاء کننده ای بایکی از سالمندان ( هر کس که باشد نداشته باشد) هرگز نخواهد توانست باقناع تمایلات روانی طبیعی نائل گردد ، چنین کودک از نظر روابط اجتماعی طبیعی عاجز خواهد ماند و با بروز بعضی اختلالات فکری؛ پریشانی حالات یا مشکلات دیگر، دچار مخاطره خواهد شد .

### نوع روابط اجتماعی .

نخستین رابطه مهم از نقطه نظر رشد روانی و اجتماعی همانا بین کودک شیرخوار و مادر ( یا شخصی که جانشین مادر باشد) وجود دارد کودک از این رو ب مادر بستگی دارد که احتیاجات جسمی و روحی او را تأمین میکند . هموست که بکودک غذا میدهد و آسایش و راحت او را فراهم میسازد و باو مهر میورزد . نخستین بحرانهای دوست داشتن و تنفر ورزیدن از این پیوستگی بوجود میآید . هنگامیکه مادر حوائج کودک شیرخوار را برمیآورد کودک بایک طغیان روحی بدان پاسخ میدهد ولی موقعیکه انتظار او را انجام ندهد در مقابل احساسات منفی ابراز میکند . روابط آینده بر حسب درجه پایداری ، علاقه مندی ، اشتیاق و دوام رابطه ابتدائی ممکن است خوب یا بد تعیین گردد .

نقش پدر، بویژه عبارتست از :

الف ) تأمین آسایش کودک؛

ب ) راهنمایی او ؛

ج ) برای او هدف بایک سر مشق باشد. علائق روحی خیلی زود بین کودک و پدر ایجاد میشود ، لیکن ظاهراً این علاقه در ابتدا باندازه علاقه ای که مادر و فرزند را بیکدیگر نزدیک میکند ، شدید نیست . گاهی

اوقات كودك علائم حسد و دشمنی را نسبت بپدر و همچنین در بارهٔ علاقه‌ایکه بین پدر و مادر وجود دارد، نشان میدهند. بطور کلی پدر درها کردن كودك از پیوستگی فشرده‌ایکه با مادرش دارد سهیم میباشد و تلاشهای كودك را برای بدست آوردن استقلال تسهیل میکند. يك محیط مناسب از نظر روانشناسی، يك كانونیکه در آن اعضاء خانواده نسبت بهم تعلق خاطر دارند نخستین شرط تعادل و توافق روحی كودك محسوب میگردد و بر مبنای آنست که كودك میتواند بعد از روابط اجتماعی خود را بنحو مطلوبی برقرار سازد. در داخل حلقهٔ خانواده، كودك در حال بزرگ شدن با برادران و خواهرانش مبانی آداب اجتماعی را فرا میگیرد. متدرجاً، گرچه علیرغم میل خودش، او موفق میشود حقوق خود را مخصوصاً بین اعضاء خانواده تشخیص دهد، دشمنی و رقابت ممکن است در لحظاتی تشدید گردد و در حدودی نیز كودك موفق میشود با احساسات خود مبارزه کند، با این حال طرز واکنشی که اعضاء خانواده در قبال بروز حسادت بین كودکان خود، نشان میدهند، مختصات روابط اجتماعی را که كودك خارج از حلقهٔ خانواده، برقرار میسازد، تعیین میکند.

كودکی که همراه با روابط جدید در میان اجتماع آموزشگاهی و در محیط اجتماعی خود بزرگ میشود، مشروط بر آنکه نیازمندیهای اساسی روانی او تأمین شده باشد، تمایل شدیدی به همنشینی با همسالان خود پیدا میکند. توافق كودك با یکدسته، از یک طرف منوط بسهمی است که او میتواند نسبت بدان برعهده گیرد و از طرف دیگر مربوط به توانایی انطباق با توقعات آن دسته میباشد. تجارب اجتماعی بکودک میآموزد که سایر افراد نیز دارای حقوقی هستند و او در مقابل اجتماع، تکالیفی برعهده دارد. لیکن در صورتیکه شخصیت كودك بر اثر رفتار ناشایستهٔ اعضاء خانواده منحرف و ضایع شده باشد، زیبایی از ناحیهٔ او با اجتماع وارد میشود.

### روابط ناقص خانوادگی .

روابط اولیهٔ کودک بااعضاء خانواده ممکن است برحسب موارد

زیر ناقص یا غیرطبیعی توصیف شود :

۱ - شدت علاقه ؛

۲ - استبداد ؛

۳ - خصومت ؛

۴ - حسادت ( از یکی از اعضاء خانواده در بارهٔ علاقه ای که کودک

بدیگری دارد ) ؛

۵ - مخالفت ؛

در صورتیکه نیازمندیهای روانی کودک ارضاء نشده باشد ، یا موقعی که روابط اولیهٔ کودک بااعضاء خانواده بر اثر نقصان یا افراط در علاقه منحرف و دگرگون شده یا اینکه روابط مذکور بعلت جدائی ، طلاق یا مرگ والدین گسیخته و ضایع گردیده باشد ، رشد کودک ممکن است بسختی و کندی صورت گیرد. کودکی که از محبت و حمایت بی بهره است ، کودک کی که رشد او متوقف مانده است یا یک کودک پریشان و مضطرب میتواند از خود رفتاری مخالف با اجتماع نشان دهد و خود را از نظر هم آهنگی با اقتضای حقیقت زندگی عاجز معرفی کند .

### کودک محروم .

کودکی که به علاقه و محبت اعضاء خانواده خود و مخصوصاً به علاقهٔ مادر متکی نیست ، از نخستین سالهای زندگی علائم ناراحتی و عدم هم آهنگی را آشکار میسازد . مشکلاتی که بر اثر از شیر گرفتن کودک ، خوردن غذاهای جامد با منع از مکیدن انگشت برای کودک بوجود میآید ، بآسانی قابل درک است . یک شکم پرستی مفرط ، دستبردهای متوالی ، بی اختیاری در عمل دفع ، در این قبیل کودکان بیشتر ظاهر میشود .

### كودك بى مادر.

بنابر تجاربی که در زمینه روانشناسی تربیتی بدست آمده است فقدان مادر و بویژه در دوسالگی بزنگی روانی كودك آسیب سختی وارد میآورد. فقدان مادر بطور کلی برای كودك جراحی محسوب میشود که احساس امنیت و آسایش او را متزلزل میسازد. باید احتیاج فوری را که كودك در این باره حس میکند بوسیله کسی که جانشین مادرش تلقی میشود، تأمین کرد. در این صورت لااقل مسائل و مشکلات آتی را جمع بروابط اجتماعی كودك کاهش مییابد، لیکن این موضوع را باید پیش بینی کرد که روابط كودك با جانشین مادرش در ابتدا مشکل خواهد بود.

### كودك بى پدر

كودك در قبال ازدست دادن موقتی یا دائمی پدر، بوسیله اندوه واضطراب (همراه با احساس حرمان و کینه) و يك وضع مقاومت ناپذیر و عصیان آمیز ناشی از گسیختگی و نقصان علاقه در برابر خانواده خود، عکس العمل نشان میدهد.

كودكان محروم تمایل دارند که در عالم تصور آنچه را که در عالم حقیقت ازدست داده اند، جستجو و دنبال کنند. این كودكان دائماً بوهم و خیال برای خود پدری فهرمان و مادری از نوع «فرشتگان» میسازند. بررسی های راجع بمقایسه محتوی تصورات كود کی که در يك مؤسسه پرورش یافته با كود کی که در يك كانون استوار خانوادگی بزرگ شده است، ثابت میکند که اولی در زندگی حقیقی، هیجانانگیز و تأثرات خود را محدود تر ابراز میکند؛ در عوض «بشدت در عالم خیال، فرو میرود. دستبرد، خرابکاری، اجتماعی نبودن، عدم خویشتن داری در این كودك

از جمله عوارضی است که بطور کلی بر احساسات جریحه دار، اضطراب آمیز و خصمانه اودلالت دارد. در کانون‌های کودکان ملاحظه میشود که اگر چه از یک طرف، سلامت بدنی، رشد جسمانی و کنترل واکنش‌های روانی کودک، شکفتگی و پیشرفت موزون وهم آهنگی را در بردارد، ولی از طرفی دیگر کودک با جدا شدن از اعضاء خانواده خود و با ظهور پاره‌ای نقائص از قبیل نقص تکلم، عادات نکوهیده، موانع رشد روانی، در معرض مخاطره قرار میگیرد.

#### اتخاذ تدابیر مخصوص برای درمان حالات مذکور

بررسی و سائلی که با ستعانت آن بزرگسالان میتوانند کودکان را پس از یک ناراحتی مانند ازدست دادن یکی از والدین خود، در انطباق با وضع جدید یاری دهند، حائز اهمیت است. «اسحق» مطلب مهمی را بیان کرده است، بدین معنی که باید کودک را در گریستن بخاطر آنچه ازدست داده است آزاد گذارند، تا بتواند اندوه ورنج خود را بصورت کاملاً طبیعی اظهار کند. در این صورت خود او راه حل مناسبی خواهد یافت. معینا عاقلانه است که از تظاهرات دردناک کودک جلوگیری گردد و در همان حال بکودک مساعدت شود که وضع موجود را با درک حقیقت آن بپذیرد و تحمل کند. نام پدر یا مادرفوت شده را نباید بطور مبالغه آمیز گرامی داشت بلکه بهتر است بطور طبیعی و عادی از والدین مرحوم سخن بمیان آورد و خاطرات مشترک زندگی خانوادگی را احیاء کرد و در صورتیکه کودک مایل باشد باید با او اجازه داده شود تا تصویری از پدر یا مادر خود را نگهدارد.

بعضی آنکه کودک خود را آماده نشان دهد، لازم است با او کمک کرد که بفعالیت‌های مثبت و اجتماعی خارج از خانواده بپردازد و در اینجاست که علاقه کودک بآموزندگی میتواند یار و مددکار بزرگی برای او باشد.

کارهای سرگرم کننده از هر نوع ، از قبیل نقاشی ، حجاری ، هنر نمایش و بازی ، برای زدودن تأثرات او بسیار مفید است . در صورتیکه بعضی از دوستان کودک دارای دردها و آلام مشابهی باشند، این نیز وسیله تسکینی است که کودک خود را در محنت‌ها تنها حس نکند . فرصت‌های مناسبی که برای اجتماع بوجود می‌آید، با برعهده گرفتن مسؤلیت‌های ابتدائی در خانه و مدرسه، نشان می‌دهد که کودک میتواند خود را عنصری مفید قرار دهد . بعلاوه باید کوشش کرد که از میان اعضاء خانواده یا دوستان بزرگسال کودک ، جانشین پدر و مادر فوت شده را پیدا کرد . لازم است کودک بتواند باشخصی که شایسته و درستکار باشد، علائق روحی برقرار سازد ، تا اینکه جریان تشخیص هویت بتواند ادامه یابد و اراده بزرگ شدن مستحکم و تأیید گردد .

#### پرورشگاه .

بهترین نوع کانوهای محل سکونت یتیمان ، تقریباً پرورشگاه (foster home) میباشد . این نوع قانون بوسیله گزارش « کورتیس کمیته » (۱) که در انگلستان منتشر میشود توضیح داده شده است . پرورشگاهی که بخوبی انتخاب شده باشد برای کودک امنیت و علاقه‌ایرا که مورد نیاز است، فراهم می‌سازد . پرورشگاه نباید از لحاظ روانشناسی و ارتباط شرایط مادی و محیط دارای نقائصی باشد . باید از نزدیک شخصیت متصدیان پرورشگاه و همچنین علل و موجباتی که محرک آنان در پذیرفتن کودکان میباشد ، مورد بررسی قرار گیرد . پسندیده نیست که این موجبات و علل مبین جلب منافع مادی یا ضرورت ارضای احساسات واپس زده باشد .

۱ - گزارش انجمن حمایت کودکان ( ۱۹۴۶ و Curtis committee )

اداره مطبوعات سلطنتی ، لندن .

این موضوع واجد اهمیت است که متصدیان پرورشگاه نسبت به مشکلاتی که کودک با آن مواجه میشود بصیرت و توجه داشته باشند. آنان باید از بعضی اختلال حالات کودک در موقعی که برای انطباق با وضع جدید خود تحت تعلیم قرار میگیرد، چشم پوشی کنند و بدانند که ایشان در برداشتن بار کودک با بازرس کمکهای اجتماعی باید همکاری کنند. بازرس مذکور، بنوبه خود، باید اطمینان کودک را بدین لحاظ که حرفهای او قابل توجه است، جلب نماید.

باید در تجسس نوع کانونی که مناسب یک کودک معین باشد، دقت بسیار مبذول داشت و تا حد امکان از تغییر آنها خودداری کرد زیرا این تغییرات همیشه اضطراب و ناراحتی کودک را افزایش میدهد.

**کانونهای کودکان.**

یک راه حل دیگر اسکان کودکان بدون خانمان یا محروم که از یک خانواده از هم گسخته یا معدوم شده، باقیمانده اند، آنست که کودک را در یک کانون کودکان بپذیرند. کانونهای کودکان بی پناه، هنگام جنگ، از نظر مساعدت بکودکان در انطباق با وضع جدید، در انگلستان ایجاد شده است. مقامات محلی اداره تعدادی از این کانونها را برعهده گرفتند. فکروهدفی که در ایجاد آنها تأثیر داشته، عبارت بوده است از پی ریزی یک چیز ثابت که کودک بتواند آن را بشناسد و مورد آزمایش قرار دهد و بالاخره باور کند که در آن میتواند بازی کند. (۱) کودکی که نامایماتی را تحمل کرده است، معمولاً از نظر بازی کردن بطور طبیعی و مداومت در کارهای مثبت و یافتن دوست، اشکالاتی در خود احساس میکند. ممکن است ابتدا بشکل صریحی رفتار غیر اجتماعی از او سر بزند؛

۱ - D.W. Winnicot and B. Britton، اداره مر کزی مداوای کودکان کند ذهن. روزنامه روابط بشری (Human Relations Journal)

ممکن است بعداً در او هیجان شدید روحی نسبت بیک شخص ایجاد گردد که مختصات آن توأم با واکنشهای ناگهانی باشد. متناسب آنکه کودک بوسیله بازی، سرگرمیهای مثبت و موفقیت‌هاییکه در آموزشگاه بدست میآورد، طرز فراموش کردن نامالیات را فرامیگیرد، موفق میشود خویشتن را از هیجانات درونی برهاند. آنوقت بهتر خواهد توانست قواعد اجتماع را از نظر جلب موافقت سالمندان بپذیرد. رفته رفته روح اجتماعی در او رشد مییابد و برای او امکان پذیر میشود که با خصائل مورد لزوم ساکنان آینده جهان پرورش ورشد یابد. یک آزمایش مفروض دربارهٔ تعلیم انضباط بمنظور تجدید تعلیم و تربیت کودک غیر اجتماعی، همواره گرانبها تشخیص داده میشود. در جریان آشنا کردن و انطباق یک کودک محروم با محیط جدید، مخصوصاً نباید فراموش کرد که او احتیاج دارد ببیند که مجدداً در پیرامون وی یک زندگی خانوادگی بوجود آمده است. این آرزو در میان یک دسته کوچک (حداً کشره ۱ تا ۲۰ تن کودک) و تحت ادارهٔ یک خانوادهٔ خوشبخت و متحد بهتر خواهد شکفت و تحقق خواهد یافت. ولی مؤسسات بزرگ نمیتوانند بطریق مطلوبی باین نیازمندیهای کودک پاسخ دهند مراقبت چنین کودکان، برای کسانی که این وظیفه را برعهده دارند، مستلزم صرف نیروی فکری بسیار است و لذا ضرورت دارد که اینان از بهترین شرایط ممکن کار از قبیل: حقوق گزاف، تعطیلات طولانی و تسهیلات زندگی، بهره‌مند گردند.

### کودکان مجرم.

کودک گناهکار معمولاً بصورت فرد مضرری در خواهد آمد و کمتر احتمال دارد بتواند آثار مثبتی از روح مدنی بین‌المللی از خود ببرد. برای تحلیل و درک اینکه چرا روح اجتماعی در چنین کودکانی بسختی و کندی رشد مییابد، دستهٔ مأمور مطالعه، بتجزیه و تحلیل علل خطاهای دوران

کودکی مبادرت جسته است .

این علل بطور مشخص بدو طبقه تقسیم میشود :

۱ - عوامل ابتدائی، اساسی و داخلی؛

۲ - عوامل درجه دوم، خارجی و ناشی از محیط .

در طبقه اول مسائل زیر را مورد بحث قرار میدهیم :

الف ( محیط بد خانوادگی که موجب دشمنی ، تصادمات و عدم علاقهٔ اعضاء خانواده نسبت بکودک میباشد؛ گاهی شکل روابط زناشویی نیز در این مورد مؤثر است .

ب ( فقدان پیوستگی روانی نسبت بیک شخص مفروض که کودک در اختیار اوست. بر اثر آن کودک پیاره ای خصوصیات بی قیدی دچار میشود و مخصوصاً این وضع در کودکانی که طی پنجسال اول زندگی، در مدتی بیش از شش ماه از مادر خود جدا مانده اند، زیاد معمول است .

ج ( عدم قابلیت و شایستگی اعضاء خانواده در تجسم یک هدف جلوچشمان کودک، که از آن اشکالی برای کودک بوجود میآید که نتواند خود را بعداً فرد خوبی تلقی کند؛ ضعف شخصیت و تمایلات طبیعی تحت تأثیر راهنمایان بد بوجود میآید . در این طبقه همچنین مختصات راجع باعمال بدن توضیح داده میشود : عدم تعادل غدد بدن، بیماریهای موضعی، شرایط نامساعد طبیعی، کمی هوش، که از آن احساس خواری و پستی و پدیده های ترمیمی (۱) ناشی میشود .

طبقه دوم شامل مسائل زیر است :

الف ( آنچه بکانون خانوادگی مربوط است : فقر و تنگدستی، زندگانی در یک خانهٔ محقر و پر جمعیت، جریانات مخصوص ناشی از غیبت پدر هنگام جنگ و کار مداوم مادر در خارج از منزل؛

ب ( آنچه مربوط بآموزشگاه است: فقدان تحصیلاتی که نیازمندی

فعالیت کودک را ارضاء کند و شامل آن گردد، روشهای تحصیلی که با درجه رشد کودک بخوبی تطبیق نشده باشد؛

ج) آنچه مربوط با اجتماع است: تأثیر وسائل بازی و تفریح (کمی جا، کمبود وسائل، شرایط ناقص)، تمایل بایک مجاورت خطرناک و غیر اجتماعی و عدم دسترسی بکاریکه با تمایلات، ذوق و سطح رشد کودک متناسب باشد.

بنظر میرسد اقدامات احتیاطی اساسی شامل موارد ذیل باشد:

۱ - توسعه مؤسسات روانشناسی تربیتی، مخصوصاً حمایت مادران و کودکان، که در عین حال میتوانند اعضاء خانواده را راهنمایی کنند.

۲ - همکاری نزدیک بین خانواده و آموزشگاه: مقدمات کودک از نظر رفتار، قبول مسئولیت و تن در دادن بکارهای مختلف در آموزشگاه.

۳ - بهبود شرایط اجتماعی و توسعه وسائل تفریح و سرگرمی.

کودکان «آواره».

نتایج حاصل در باره کودکانی که طی جنگ تغییر مکان داده شده اند ظاهراً مدتها مورد استفاده قرار خواهد گرفت و باید مخصوصاً از نظر اینکه ما بخواهیم کودکانرا در انطباق و آشنائی با اجتماع جدید کمک کنیم، آنها را مورد مطالعه قرار دهیم.

در این نتایج مختصات زیر مشاهده میشود:

۱ - نارسایی مفرط و ذوق پیش رس قبول مسئولیت؛

۲ - تمایل به تبعیت و نقصان رشد؛

۳ - اشکال ایجاد ارتباط بادیگری؛

۴ - عدم اعتماد و سوء ظن؛

۵ - کم حوصله گی و تمایل بموفقیت فوری؛

۶ - رضامندی از خود و اعتماد مبالغه آمیز بخویش؛

۷ - احساس مجرمیت و گناهکاری از اینکه پس از فقدان اعضاء

خانواده باید زیست کند؛

۸ - احساس داشتن يك وظیفه از نظر اجرای آن درزندگی. باید بیاد داشت که عده‌ای از کودکان بی‌پناه دارای روحی سرشار از ابتکار، شهامت و خصلت مدیریت هستند با اینکه برای بقای خود، با کمک جمعیتی که عضو آن هستند، تلاش و مبارزه میکنند و در فقر و تنگدستی عمومی سهیم میباشند معینا حالات عصبی کمتر در چنین کودکانی دیده میشود تا موقعی که مجبور شوند مجدداً با شرایط زندگی زمان صلح انس بگیرند، بدون اینکه در آن حال دیگر حق مبارزه داشته باشند.

کودک در مبارزه خود برای زندگی يك نیروی اخلاقی بروز میدهد. لازم است از کلیه وسائل موجود برای تحکیم روابط خانوادگی و اجتماعی، از نظر برانگیختن احساسی که بیک شخص یا يك چیز بستگی دارد، استعانت جوید. وی نیاز دارد باینکه درك و احساس کند که قدر و ارزش او در نظر گرفته شده است و نقشی در اجتماع بازی میکند. این موضوع واجد اهمیت زیاد است که بکودک آواره کمک کنند تا از نظر روانی خود را با محیط جدید آشنا و منطبق سازد و کوشش بکار برند تا سطح فکری او ارتقاء یابد. بازی، کارهای تفریحی، يك کار دستی و مثبت و مسائل درمانی بسیار مؤثری برای ناپایداری، خشم، تعدی و حال عصبی محسوب میشوند.

نتایج بازگشت پدر: اشکال آشنائی و سازگاری مجدد.

نتیجه دیگر جنگ مشکل آشنائی و انس مجدد خانوادگی در موقع بازگشت پدر از ارتش، پس از يك غیبت طولانی است.

۱ - گاهی مشاهده میشود که پدر و فرزند نسبت بیکدیگر غریب و ناآشنا شده‌اند؛

۲ - بی‌انضباطی که بر اثر طرز مراقبت مادر بوجود آمده است از

نظر تعویض آن بایک انضباط خیلی شدید که هنگام بازگشت از طرف پدر تحمیل میشود ، مایه ناراحتی طفل میگردد ؛

۳ - پیوستگی مفرط کودک بامادر هنگام غیبت پدر گاهی بدشمنی نسبت بپدر در موقع بازگشت او میانجامد ، زیرا فرزند میخواهد علاقه مادر را حفظ کند ( این عکس العمل در کودکانیکه طی مدت غیبت پدر در بستر مادر میخواهیده اند بوضوح مشاهده میشود ) ؛

۴ - ممکن است پدر نسبت بزین خود از اینکه در مدت غیبت او وفادار نمانده باشد بدگمان شود ( و بطور معکوس ) ؛

۵ - اسارت یا اجراحت که بر اثر جنگ بوجود میآید سلامت مزاج پدر زیان میرساند ؛

۶ - عدم توجه و لاقیدی نسبت بأولاد ارشد ممکن است منجر شود باینکه پدر تمایلی برای ایجاد کودک جدیدی ابراز نماید ، و از همین جا حسد سایر کودکان برانگیخته میشود .

۷ - پدر ممکن است از نظر آشنائی و هم آهنگی مجدد با زندگی مدنی ، پس از مرخص شدن از خدمت ارتش دچار زحمت گردد .  
 ممکن است ضرورت اقتضاء کند که مؤسسه اجتماعی از لحاظ درمان روحی اعضا ، خانواده بمنظور انطباق آنان با وضع اجتماعی جدید مساعدت لازم را مبذول دارد .

درمانها از نظر عمومی .

وسائلی وجود دارد که بخانواده و آموزشگاه امکان میدهد ، برای حصول رشد روانی بکودک کمک کنند و بمنظور ایجاد تعادل بکودکان بی پناه از نظر روانی مساعدت نمایند . در قسمت اول این گزارش بعضی از این وسائل ، مخصوصاً ضمن مباحث راجع بکودکان بی پدر ، کودکان مجروم و کودکان مجرم ، معرفی شده است . در ذیل ،

فهرست کاملیرا ذکر میکنیم :

۱ - ارضای نیازمندیهای روانی و اساسی کودک در سالهای اول زندگی خانوادگی بهترین طریق را از نظر تأمین رشد مطلوب شخصیت و تعمیم آن بمثابة پایه‌هایی برای سکنه جهان بوجود می‌آورد ؛

۲ - اندرزها و راهنماییهای مراکز پرورش و رشد کودکان، مراکز روانشناسی تربیتی و انجمنهای اولیای شاگردان و معلمین نسبت باعضاء خانواده ، باید بآنان کمک کند تا احتیاجات کودک را درک نمایند و وسائل تأمین آنها را فراهم سازند؛

۳ - شیوه‌های جدید متداول در آموزشگاهها که وسائل درمانی مؤثری را برای کودکان تأمین میکنند ، صرفنظر از بازیها و فعالیتهای آزاد ، بسیار گرانها هستند ، زیرا بدانوسیله بکودک کمک میشود که نیاز احتیهای روحی خود را مرتفع سازد و آنرا بصورت مطلوبی در آورد . اضطراب و ناراحتی درونی مانع از آنست که فرد درست و روشن فکر کند ، بطور مثبت و با واقع بینی قضاوت نماید یا روح انتقادی بدست آورد ، و حال آنکه این شرایط برای تأمین حسن تفاهم بین المللی ضرورت دارد؛

۴ - ایجاد دوره‌های مخصوص ، در مؤسسات عادی یا مدارس خصوصی ،

برای سازگاری مجدد کودکان بی پناه مفید واقع شده است . جای دادن این کودکان در پرورشگاه یا در کانونهای کودکان که با دقت انتخاب شده باشند و تحت مراقبهای روانی ، یک نتیجه عالی را از نظر « درمان بوسیله محیط » بوجود می‌آورد ؛

۵ - معالجه بوسیله بازی یا سایر انواع معالجات روانی فردی که توسط مؤسسات درمان روحی بکار می‌رود ، وقتی مؤثر است که کودکان علائم بارز بیماریهای عصبی را نشان دهند ؛

۶ - مراکز مشاوره زناشویی میتوانند در حصول آشتی بین اعضاء

خانواده که عدم توافق آنان، خانواده را بگسیختن تهدید میکند، مساعدت نمایند .

۷- این نکته حائز اهمیت بسیار است که در انتخاب معلمین همان اندازه که بمدارج تحصیلی آنان توجه میشود ، خصائل شخصی آنان نیز باید در نظر گرفت . آموزگاری که برشد روانی نائل آمده است میتواند ، بمیزان زیادی ، در تکامل مطلوب کودک و تربیت افراد مفیدی برای جهان، سهم قرار گیرد .

# تعلیم و تربیت و مواعی که اجتماع در مقابل آن قرار میدهد

بقلم :

دکتر آلوامیردال

کارشناس تعلیم و تربیت کودکان،

عضو فعلی دبیرخانه ملل متحد،

اداره مسائل اجتماعی

۱ - محیط طبیعی

دوره کارآموزی فعلی، بمنظور تعیین و تنظیم برنامه تعلیم و تربیت مخصوص ساکنان جهان تشکیل یافته است. برای اجرای این برنامه، مشکلات احتمالی را باید منظور داشت: اینک بتدریج باره ای از این مشکلات را مورد بحث قرار میدهیم:

مواعیکه محیط، در یک اجتماع جدید، در مقابل تعلیم و تربیت و رشد کودکان قرار میدهد، وحشتناک است. آنها از امکانات، و از موضوع مورد اقدام ما، یعنی مطالعه مسائلی که موجد حالات فوق العاده میباشند از قبیل: جنگ، قحط و غلا، کوچ دادن از یک نقطه بنقطه دیگر، مهاجرت، خارج خواهد بود، زیرا آنها از حدود برنامه تعلیم و تربیت تجاوز میکنند. بنابراین ما خود را بمطالعه مواعی نظم اجتماعی که معمولاً تعلیم و تربیت کودکان را دچار مشکلاتی میسازد، محدود میکنیم.

این مسائل و مواعی بیشتر از نظر تعلیم و تربیت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت تا از لحاظ روانشناسی - و نیز از نقطه نظر تغییرات ممکن در عمل، مورد بحث واقع خواهند شد و نه بطور کلی از جهت روابط اصلی. مادر دنیائی بسر میبریم که از کمال و فضیلت مطلق بسیار دور است؛

بنابراین ، هیچکس نباید اندرزها و توصیه‌هایی را که متضمن تغییر محیط باشد ، قبل از تعیین امکان اجرای آن ، مطرح سازد این تذکر مسلم و دائم راجع بحدود اجباری کار و کوشش ما ، میتواند وضع خاص توأم با ساده لوحی را که اغلب ، مباحث راجع بتعلیم و تربیت را فرا میگردد ، زائل کند .

امروز از هر وقت دیگر لازمتر است که در این باره حقیقت معلوم و ابراز شود ، زیرا اشخاص پلیدی که در بین مردم و اعضاء خانواده وجود دارند از توقعات زیادیکه مریان ، بسهم خود ، بعنوان خیر و صلاح کودکان بیان میکنند ، عصبانی میشوند .

باید نه تنها کودکان بخوبی تغذیه و مراقبت شوند . بلکه آن عده نیز که در کانونهای آرام بسر میبرند ، باید اتحاد اعضاء خانواده ایشان توأم با سعادت باشد ، باید مادرشان لااقل برنامه اوقات خود را تابع احتیاجات آنان قرار دهد ؛ باید همسایگان همان اندازه با آنان صحیح رفتار کنند که اعضاء خانواده با ایشان سلوک میکنند ؛ گفتارهای تازه را بر حسب مرحله رشد کودک ، که کارشناسان مربوط آن را مناسب تشخیص دهند ، بیاموزند ؛ باید مذهب و سایر مفاهیم مطلق ، بنحویکه متناسب استعداد کودک باشد ، بمنظور درک آنها ، توضیح داده شود ؛ باید محیط فرصت های مناسب فراوانی را برای تجارب گوناگون که بآن نام « بازیها » رامیدهند ، در اختیار بگذارد ؛ باید روابط دوستانه ، که بر آورنده نیازی باشد ، در لحظه معین برقرار نماید ؛ باید آزمایشهای جنسی بطور کاملاً هم آهنگ و موزون ، به ترتیبی که برای شرکت کنندگان مفید باشد ، صورت گیرد . برای پاسخ بدین شرایط چنین بنظر میرسد که سرتاسر جهان باید تغییر و تحول پذیرد و بیشتر زندگی جوانان تحت الشعاع اندیشه تعلیم و تربیت نسل آینده قرار گیرد .

من قصد ندارم در آنجا از کوششهایی که برای تعیین آنچه از لحاظ تعلیم و تربیت مطلوب است، بکاررفته، انتقاد آسانی کنم. لیکن نباید فراموش کرد که ما بشدت در معرض خطر ایجاد کشمکش و مناقشه قرار گرفته‌ایم، مخصوصاً از نظر مادران، که حساسیت و مراقبت مداوم آنان امروز تا این حد برای آسایش روحی کودک لازم تشخیص داده شده است. پس از یک دوران آزادی و استقلال، زنان ممکن است از آن بترسند که خود را مجدداً تابع یک قید حیاتی به بینند.

از اینروست که موضوع اصلی مطرح میگردد تا معلوم شود چه اندازه توقعات رشته تعلیم و تربیت واقعاً لازم الاجراء هستند؛ یا تا چه حد ممکن است تعلیم و تربیت بوضعی که قبلاً داشته است، بازگردانده شود؛ شغلی که اعضاء خانواده بخاطر آن فقط قسمتی از اوقات خود را صرف میکنند؛ و در چه حدودی میتوانیم محلی که، کودکان ما را احاطه کرده است، رها کنیم و ساختمان اجتماع خود را در مجموع آن، با آزادی تغییر دهیم. در عین حال که فقط یک اهمیت درجه دومی را نسبت به نتایج این تحول در تعلیم و تربیت قائل میشویم.

راه حل این مسئله پایان و سرانجام کوششهای ما را نشان خواهد داد و لزوم متممی را از نظر نتایج و آثار این دوران کازآموزی (استاژ) در خصوص شکل دادن تعلیم و تربیت کودکان ایجاب خواهد کرد. اما، قبل از وصول بدان، ما باید طریقه‌ای را که سازمان اجتماع فعلی بتوقعات مریبان پاسخ میدهد، مورد مطالعه و آزمایش قرار دهیم. من خود را در توضیح این موضوع محدود میکنم، من نمیتوانم جز یک کمک فکری بشما چیزی عرضه بدارم؛ اغلب ملاحظات و اطلاعات را جمع بان بایدضمن ادامه کارهای استاژ تکمیل و بسط داده شود.

## سطح زندگی

آیا سطح زندگی مستقیماً در تعلیم و تربیت تأثیر میکند؟ شایسته است ابتدا تأثیر غیر مستقیمی که توسط تغذیه، تندرستی، نیروی حیات کودکان حاصل میشود مورد مطالعه قرار گیرد. مسئله تأثیر مستقیم بسیار مشکل و دقیق است. با وجود این - پس از مطالعات هیلد گارد هتزر (۱) و ژرزیلد (۲) و دیگران - میتوانیم بگوئیم که بنظر میرسد کودکان بوضوح فقر خود را، در صورت اقتضا، درک میکنند.

با وجود این مفهوم «فقر» هر گز دارای ارزشی مطلق نیست. بلکه اختلافات سطح زندگی طبقات مختلف اجتماع و تغییراتی که در سطحهای مختلف زندگی طی مدت مبنی ظهور میکنند، روح را متاثر میسازد و موجب غم و اندوه، نگرانیهای بیک احساس دشمنی و تنفر میشود. مطالعه تجارب راجع با احساس حقارت و پستی که مبنی بر اختلافات حقیقی سطحهای زندگی است باید در سر لوحه هر گونه طرح تحقیقات مربوط بروانشناسی کودکان و سالمندان واقع شود.

بطور کلی، برای حصول نتیجه باز هم ما میتوانیم تأیید کنیم که اختلافات و تغییرات مربوط بسطح زندگی موجب اختلافات و تغییراتی در شیوههای تعلیم و تربیت میشود. چنین برمیآید که کودکان امروز، خود را در معرض اجرای روشهای تربیتی مختلف مشاهده میکنند، که تغییرات آنها بخوبی حکایت از عدم ارتباط و پیوستگی دارد. علمای اجتماع که مسئله تعلیم و تربیت را مورد گفتگو و مباحثه قرار داده اند اینک باید بمطالعه

Hildegard Hetzer. Kinaheit und Armut. Leipzig, 1929 - ۱

Jersild, Markey and Jerild : Lesenfants : leurs craintes, - ۲

leurs rêves, leurs désirs, leurs songeries, leurs goûts, etc. Child Development Monographs, New York, Teachers' College, Bureau of Publications, 1932 .

انعکاسهای این تغییرات در کودکان و نتایجی که مورد استفاده دائمی یکی از روشهای مذکور در یک اجتماع پایدار است، بردازند.

نوع اقامتگاه خانوادگی موجود مشکل و مانع کاملاً مشخصی است که غالباً با تعلیم و تربیت مطلوب و صحیح سازشی ندارد. در این زمینه نیز هیلدگارد هتزر، پیشقدم شده است و امروز روانشناسان نظرهای او را تأیید میکنند. من در سال ۱۹۴۵ از طرف انجمن دولتی سوئد برای مطالعه اجتماعی مسکن مأمور شده‌ام و توانسته‌ام محل لازم را برای تعلیم و تربیت کودک تعیین کنم و نشان دهم که آن در نسبت‌های زیادی تغییر میکند، در عین حال که در اغلب حالات، آنهم کافی نیست. در اقامتگاههای معمولی خانواده‌های جدید تقریباً همیشه غیر ممکن است کودک را باز گذارند تا با آزمایش‌هاییکه، بازی فرصت میدهد، بردازد. شیوه عالی که عبارتست از تنها گذاردن کودکان در موقعی که دچار خشم و عصبانیت میشوند، فقط در کمتر از نیمی از خانواده‌های کشوری مانند سوئد قابل استفاده تواند بود، زیرا اغلب منازل محدود و کوچک هستند. در شرایط فعلی زندگی شهری، همسایگان و خویشان فشار رشدی ب مادریکه بخواهد کودک را بحال خود گذارد تا بتدریج وضع و رفتار خویش را تنظیم و اصلاح کند، وارد می‌سازند، و حال آنکه حق اینستکه مادر رفتار اجتماعی دیگر را خودش فوراً و جبراً باو تحمیل نماید. مثالهای زنده ممکن نیست پیاپی آنچه در کتب کمال مطلوب جلوه داده شده است، برسد، در حالیکه با نداشتن فضا و جا، کودکان باید در تمام مظاهر زندگی خانوادگی از عبادت گرفته تا بازی ورق و از کشمکش و نزاع تا روبوسی و در آغوش گرفتن، شرکت جویند، بدون آنکه این اعمال متناسب مرحله تکامل و رشد فردی کودک باشد.

در کشور سوئد ما کوشش کرده‌ایم تحقیقات را از حدود تقسیم خوابگاهها، حجم و مساحت اطاقها جلوتر ببریم. بر اثر آن، متوجه شده‌ایم در منازل شهری که وسعت کمی دارند، ۲۰٪ افراد دو جنس مخالف، پس از دوازده سالگی، باهم در یک اطاق می‌خوابند. البته افراد متأهل در این حساب منظور نشده‌اند. این آمارها، از کشوری بدست آمده که یقیناً و بطور استثناء سطح زندگی آن بالاست و میتواند با نتایجی که «هیلد گارد هتز»، از مطالعه شرح حال دخترانیکه اسرار خود را از نظر جرائم و مشکلات جنسی بروانشناسان باز گفته‌اند. بدست آورده‌است، تطبیق گردد. ملاحظه میشود که در اغلب حالات، این دختران تجارب اولیه جنسی خویش را در سنین کم، با مردی از خانواده خود بدست آورده‌اند. بنظر میرسد آنچه باعث اتهامات منافی عفت با محارم میباشد وسعت کم مساکن پر جمعیت است و البته بدون چنین وضعی هرگز این اتهامات موردی نمیافتد.

### تفریحات

نباید تأثیر فقر را در شرایط مادی زندگی خانواده کم اهمیت تلقی کرد: در نتیجه یک رابطه صریح و مستقیم بین سطح زندگی و مقدرات و وسائل تفریح کودک، وجود دارد. لیکن هنوز رابطه مستقیم‌تری بین تعداد کودکان یک خانواده و وسائل تفریحی که همراه با تعلیم یافتن در اختیار آنان گذارده میشود، برقرار است: کتب، بازیها، گردشها و غیره. یک بار دیگر از آمارهای مربوط بکشور سوئد مثال کاملی در این زمینه بیاوریم: بر اثر غور و تعمق در بعضی خانواده‌ها، عم از آنکه دارای عوائد زیاد یا کم باشند، چنین نتیجه گرفته شده است که بطور متوسط در مبالغ اختصاص یافته جهت خرید کتب در مجموع (ونه در یک شخص) نسبت بهر خانواده بدون فرزند ۳۵ کورون (پول رایج سوئد) و در باره هر

خانواده ای که بیش از چهار فرزند دارد، و بزرگترین ایشان ۱۵ سال یا بیشتر داشته باشد، ۲۱ کورون در سال، کاهش روی داده است. باتوجه باینکه تأثیر آموزندگی و تربیتی کتب درسین مذکور ممکن است خیلی بیشتر باشد. همین وضع دربارهٔ روزنامه‌ها، مسافرت، بازیها و اسباب بازی نیز صدق میکند. این پدیده بدین نحو توجیه میشود که بر اثر ولادت کودکان جدید، بودجهٔ خانواده، بدون آنکه در عایدات افزایشی روی دهد، در وضع دشواری قرار میگیرد، ضمناً محللهای خرج که در وهلهٔ اول اختصاص داده میشوند عبارتند از مسکن - که قبلاً دربارهٔ آن صحبت کرده ایم و تفریحات و فعالیتهای فرهنگی. (۱)

### ساختمان خانواده

این موضوع مورد قبول است که شرایط مطلوب تعلیم و تربیت هنگامی بدست میآید که اعضاء خانواده با حسن تفاهم بسر برند؛ يك محیط پرشور و باحرارت بسازند، بکودکان فرصت دهند که خود را مجذوب کاروندگی نشان دهند، آنان را دائماً از انقیاد و فرمانبری باستقلال و آزادی رهنمون شوند.

باید در تمام برنامه‌های تعلیم و تربیت حقیقت در نظر گرفته شود، مطلب در اینست که طلاق، عدم توافق و فوت، بعضی از کانونهای خانوادگی را ویران میکنند و باعث تکثیر کودکانیکه از روابط غیرقانونی بوجود آمده‌اند، میگردد. آمارهای مربوط بکشورهای مختلف نشان میدهد که تعداد زیادی از کودکان در شرایطی زیست میکنند که میتوان در این باره آنرا «غیرعادی» تلقی کرد. متأسفانه ضمن آمارهایی که قسمتی از آنها را در اینجا ذکر میکنیم؛ اکتفا کرده‌اند باینکه مجموع طلاق، وفات و تولد

۱ - برای توضیحات و تحقیقات بیشتر مراجعه شود بآثر «آلوا میردال»

تحت عنوان: «Nation and Family» New York, Harpers, 1941

ناشی از روابط غیرقانونی را نشان دهند ولی ترکیب خانواده‌های مورد نظر را تعیین نکرده‌اند. این امر یکبار دیگر بمانابت میکند که در تصمیمات مربوط با اجتماع، مسائل راجع به تعلیم و تربیت بهیچوجه مورد توجه قرار نمیگیرند.

در باب آثار و نتایجی که فقدان یکی از اعضاء خانواده در تعلیم و تربیت کودکان دارد - موضوعی که در خور تحقیق و مطالعه بسیار عمیقی است. در اینجا باید خاطر نشان کنیم که در این قبیل خانواده‌ها، تعداد کودکانیکه بوسیله زنان مجرد بزرگ میشوند، افزایش یافته است، زیرا اغلب پدر در خانه نیست و از مسؤلیتهای خود شانه خالی میکند یا بر اثر طلاق زندگی را رها میسازد، عامل مرگ رانیز باید مزید بر علت دانست.

حتی وقتیکه والدین در یک خانه زندگی میکنند و با کمکی یکدیگر کودکان خود را پرورش میدهند، روابط آنان با کودکان بر اثر سایر عوامل کمتر مورد تهدید قرار نخواهد گرفت، این عوامل عبارتند از وجود اجداد کودکان در کانون خانواده، اینک که کودک، کوچکتر یا بزرگتر از برادران و خواهرانش باشد، ملاقات با سایر اعضاء خانواده، اینک که مستخدمین طی قسمت کم یا زیادی از روز جای پدر و مادر را بگیرند. این عوامل تماماً «غیرطبیعی» هستند بدین معنی که غرض هر نقشه تعلیم و تربیت را نقض و خراب میکنند، این عوامل را باید بمتابعت اثریکه در شخصیت هر کس ایجاد میکنند، مورد قضاوت قرار داد. بسیار کم دیده شده است که پدران و مادران، هر چند که نیت آنان خیر باشد، بتوانند بطور کامل محیط خانواده را تعیین کنند.

### ناپایداری ترکیب خانواده

مربیان بطور کلی بنا بر این اصل که کودکان باید در یک محل ثابت، و نه تغییرناپذیر، زندگی کنند، بکار میپردازند. معهدا مشکلات و مفساد

بحدی در حقیقت زندگی شیوع دارد که بنظر میرسد دقت و توجه مخصوصی باید بکار بست. مرگ محیط خانوادگی را متزلزل و دگرگون میکند. طلاق، اغلب ثقبه عمیقی بایک صورت نامطلوب بوجود میآورد. یک اسباب کشی ساده (تغییر منزل) را که در بعضی کشورها امر کاملاً عادی تلقی میکنند، در یک زندگی هم آهنگ و آرام، موجب تغییراتی میگردد و از نظر کودکان مفهوم دیگری غیر از آنچه بزرگان درک میکنند، دارد و شک نیست که مریدان بندرت بیک چنین دگرگونی توجه و اعتنا میکنند. تعویض مستخدمین خانه عامل دیگر ناپایداری است که بزرگسالان اهمیت آن را در باره کودکان بدرستی نمیسنجند. باید افزود که این معنی در پرستاران و مبصران باغهای کودکان و سایر مؤسسات مربوط بکودکان نیز صادق است.

هرگاه باین فهرست ترس، شدیدی را که ناشی از بیکاری و بحر آنها و خرابیهای مالی میباشد بیفزاییم برای ما محقق خواهد شد که عامل ناپایداری نقش اساسی را در محیط خانوادگی ایفاء میکند و بی شک ارزش آن را دارد که کوشش شود نظرها بر مادر بارهٔ تعلیم و تربیت تعدیل گردد و محلی برای آنچه را که میتوان « نیروی تعلیم و تربیت » نامید، باز شود.

#### روابط بین کار و زندگی خانوادگی.

اینکه که پدران و مادران بر اثر امور حرفه‌ای از کانون خانوادگی خود دور میشوند، در ساختمان خانواده تأثیر دارد. جنبهٔ مطلوب اصول تعلیم و تربیت هرگز ممکن نیست آشکار شود مگر وقتی آن اصول، تمایلات قابل تقدیسی را باینکه کودکان در کارهای والدین خود شرکت جویند و متدرجاً با حقایق موجود در محیط فعال خانوادگی آشنا شوند بیان کنند. حضور اعضا، خانواده در کانون خود بر حسب شرایط زندگی جدید متناوب است و این فواصل زمانی قهراً باین نیاز مندیهای کودکان مطابقت ندارد. در اغلب خانواده‌ها پدر در قسمت بیشتر روز در خانه نیست، وضع مشاغل او ایجاب

نمیکنند که جز لحظات کوتاهی در صبح و عصر، در خانه باشد؛ چنین تریبی بی شک از نقطه نظر یک نفر مربی اسف انگیز است، اما هنوز جای تأسف بیشتری است هنگامی که مادر نیز خانه را برای کار خود ترک میکند. عملی که امروز دیگر خیلی رایج است. نتایج اساسی این انقلاب ودگرگونی خانوادگی عبارتست از تغییر ترکیب خانواده، تضعیف نقش پدران و مادران، سرگرمی آنان بکار خود و بالاخره وضع کاملاً مخصوصی که غیبت همزمان پدر و مادر ایجاد میکند.

### اجتماع.

این موضوع تقریباً ثابت شده است که محیط روستائی معمولاً برای تعلیم و تربیت مساعدتر از محیط شهری است؛ اما این نتیجه ممکن است بر اثر مطالعه شرایط زندگی روستائی حاصل شده باشد و یابدین علت که ما افکار خود را روی نقش تربیتی محیط قرار میدهیم و یا بدین جهت که، در شیوه تعلیم و تربیتی که با شرایط زندگی شهری بهتر قابل انطباق باشد، اهمال کرده باشیم. در وضع فعلی، کوشش بسیار بکار میرند تا بطور مصنوعی، برای کودکان شهرها، شرایط طبیعی را که با فعالیت و کار جوانان ده منطبق باشد، ایجاد کنند.

محیط از نظر تعلیم و تربیت کودکان مبین اهمیت بسیار است. اگر صحیح است که تعداد مجرمین جوان، با وضعی که قانون خانوادگی آنانرا احاطه کرده است بستگی دارد، باید تن در داد باینکه تعلیم و تربیت و رشد کودکان تحت تأثیر پاره ای جریانات واقع میشود: مثلاً آیا کودکان میتوانند در یک باغ بازی کنند که در آن جوی آب جریان دارد؟ آیا آنان دارای حیوانات اهلی هستند؟ آیا در زمین مسطح بازی میکنند یا در حیاط خانه ها؟

مؤسسات شهری و مؤسسات روستائی.





بانو «اسکار» سرپرست دوره کارآموزی هنگام سخنرانی در «پودبرادی»

شهرنشینان کوشش میکنند بعضی از محلات شهر را بطبقات معینی از مردم اختصاص دهند؛ مانند کارگران، مستخدمین و غیره. آنان اغلب بساختن خانه‌های مخصوصی برای اشخاص سالخورده، مادرانیکه ناگزیر از کار کردن هستند، و غیره مبادرت میکنند. دهکده‌های کودکان، میتوانند صورتی از این وضع خاص که بتمايلات وسیع اصلاح طلبان معاصر اجتماعی پاسخ میدهد، تلقی شوند. نقش نهارخانه آموزشگاهها که بطور روزافزون در کشورهای مختلف توسعه مییابد و خدمات بزرگی بخانواده‌ها انجام میدهد نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد. آیا برای ارتقاء تربیت اجتماعی، کودکان کوشش لازم بعمل می‌آوردند؟ آیا روح زندگی کردن باجماعت یا روح تعاون را رشد میدهد؟ آیا رسالات راجع بتغذیه کودکانرا مطالعه میکنند و از توصیه‌ها و راهنمایی‌های دقیق آنها برای رژیم مخصوص هر يك از کودکان استفاده می‌برند؟ آیا قرائت آن رسالات بتمام پدران و مادران توصیه میشود؟ چنین مطالعه‌ای باید درباره مؤسسات پزشکی و دندان پزشکی که برای کودکان تشکیل یافته‌اند و همچنین در مورد کلیه مؤسسات اجتماعی که مستقیماً یا غیرمستقیم قابل توجه هستند، صورت گیرد؛ بعنوان مثال کمک بمادران، منع مشروبات الکلی، کمک‌های اجتماعی و مرخصیهای با حقوق را ذکر میکنیم. مطالعه طریقه‌ایکه این مؤسسات مورد استفاده خانواده‌ها واقع میشوند یا با آنان تماس میگیرند، از نظر تربیتی متضمن نتایج مفید خواهد بود، البته در صورتیکه در باره این نتایج بنحوی مطالعه کنند که ارزش تربیتی آن با ارزش اجتماعی آن تطبیق کند.

### تأثیرات فرهنگی

آهنگ بسیار سریع تغییر تمدن ما، مارا وادار میکند که بخود آمیم، بویژه آنکه این سرعت تغییر اثر مثبتی در تعلیم و تربیت نیز دارد.

سابقامانند کرده ایم اختلافاتی که بین طبقات و افراد موجود است ، ممکن است بتعلیم و تربیت زیان رساند. در حدود همین افکار، میتوان در نظر گرفت که تغییرات خیلی سریع محیط فکری، حصول توافق و هم آهنگی تدریجی کودکان را که مبتنی بر رشد مطلوبی است ، دشوار میکند. روزنامه ها سینما و رادیو بی شك نمیتوانند افکار نورا بآن صورتی که يك دانشمند بلند پایه در نخستین کتب تحصیلی ذکر کرده است ، بیان و معرفی نمایند. چه آشفستگی هائی را این وضع نامنظم تمایلات و اعمالی که کاملاً غیر قابل فهم هستند ، نباید در تغییرات ذهنی خود برانگیزد ؟

بعلاوه محتوی این استعدادهائی، از قبیل طرز فکر، خرافات و مذاهب، ممکن است با قواعد تعلیم و تربیت تباین داشته باشد. در آنجا مسئله ای وجود دارد که مطالعه آن بسیار ثمر بخش است. فقط با آوردن مثالی اکتفا میکنیم: يك روزنامه که ستونی را بتعلیم و تربیت پدران و مادران اختصاص میدهد ، بدون شك در عین حال با تشریح گوئیها و خرافات نیز مداومت خواهد داد - پس از يك طرف کوشش میکنند فکر خوانندگان را تنظیم نمایند ؛ از طرف دیگر مخالف آن عمل میکنند .

از این ملاحظات که بطور اساسی مجزأ شده و شخصی هستند منظور دیگری در کار نیست جز اینکه، نمونه ها و يك هدف عمومی در باره آنچا باید منتهی شود به روانشناسی محرك تعلیم و تربیت، بدست آید. در صورتیکه میتوانستیم تا بلو صحیح و کاملی از محیط اجتماعی که کودکان در آن بسر میبرند ، رسم کنیم. متوجه میشدیم که در اکثر حالات ، زندگی حقیقی با شرایط « کمال مطلوب » ، تفاوت دارد. آن شرایط مطلوبی که بهنگام تهیه برنامه و انتظار قبول آنها، در مغز خود میپورراندند. بنابراین لازم است با اصلاح این یا آن مفهوم مبادرت جست، بدین معنی که ؛ اصول تعلیم و تربیت را بمنظور آنکه بخوبی بزحالات متعدده، مختلفی منطبق گردد، باید تغییر دهیم ؛

یا شرایطی اجتماعی را متناسب تمایلات و توقعات معلمین عوض کنیم، ما در اینجا نخستین کوشش را برای گوشزد کردن اصلاحات ممکن، بکار میبریم؛ لیکن نباید فراموش کرده‌ر نقشه‌ایکه ماطراحی خواهیم کرد جز بربیک وضع اجتماعی معین قابل انطباق نخواهد بود. در خصوص مسائل واضح و مسلم، پیشنهادهای ماجز برای یک کشور غربی و صنعتی مانند سوئد ارزشی نخواهد داشت. پیشنهادهای مذکور را باید بنا بر جهات مختلف و بمنظور انطباق با واقعیات و ارزش‌های مخصوص سایر محیط‌های اجتماعی، تغییر داد.

## اصلاحات

لازم‌بند کردن نیست که گاهی ممکن است از احتیاجات کودکان نسبت بتعلیم و تربیت، در قبال سایر نیازمندیهای فوری آنان صرف نظر شود مثلاً، دادن یک غذای خوب بکودک بر میدان بازی ترجیح و تقدم دارد. در اینجا ما اکتفا می‌کنیم بیک جانب اندرشی عمومی که از نظر بسیاری از مؤلفین پنهان مانده است، اینان خود را مواجه با چنین مخاطره‌ای می‌سازند که گویا نسبت بحقایق اجتماعی لاقید و بی اعتنا هستند و حال آنکه در عمل چنین نتوانند بود.

بدین جهت است که حقوق پدران و مادران را نباید همراه با زندگی سالمندان آنان در بیک بر نامه صحیح و حقیقی تعلیم و تربیت کودکان فراموش کرد. زیرا مسلم است که نباید از آنان توقع داشت که فقط بخاطر کودکان خود زندگی کنند. دستورهای تربیتی غالباً با امیال و آرزوها مخالفت دارند. ما حتی میتوانیم آن امیال را، نیازمندیهای پدران و مادران توجیه کنیم. که آنان تمایل دارند از بیک نوع آرامش خاطر و آسایش بهره‌مند شوند، اغذیه‌ای غیر از آنچه بکودکان میدهند، مصرف کنند، افکار سالمندان

خود را بدون توجه بمقتضیات تعلیم و تربیت بیان کنند، و حتی بتوانند هیجانات شخصی خود را آزادانه ابراز نمایند. این شرایط برای سلامت و بهداشت زناشویی ضرورت دارد و نمیتوان از آنها چشم پوشید. مخصوصاً باید این حق زندگی را برای دوران کهولت مادران منظور داشت. بسیاری از آنان چنان وظیفه و نقش خود را از صمیم قلب انجام میدهند که عملاً روح و امیال خود را تا سطح آرزوهای کودکان ۳ تا ۷ ساله باین میآورند. نتیجه آنست که کودکان آنان وقتی بزرگ میشوند از نظر هوش و فکر از مادرانشان پیشی میگیرند. در دوران اصلاحات اجتماعی معاصر، و مخصوصاً در کشورهاییکه بطور منظم برای بالا بردن سطح زندگی مردم میکوشند، جای تأسف است که از مقدمات وسیع اصلاحات اجتماعی و خانوادگی استفاده بیشتری نمیکنند. در صورتیکه مریدان در سراسر جهان میتوانند اتفاق نظر حاصل کنند، ممکن بود در وضعی قرار میگرفتند که از حکومتهای خود بخواهند که اصلاحات اجتماعی از طریق انجام تحقیقات اجتماعی و روانشناسی تأمین و اجرا گردد، بنحویکه با احتراز از واژگون ساختن محیط مساعد تعلیم و تربیت، اصلاحات مذکور آنرا بهبود بخشد و حمایت کند. در این باب ملاحظاتی چند در زمینه هائی وجود دارد که در خور اقدام است.

### کمک مالی بخانواده.

از نظر اقتصادی و وسائل مختلفی برای کمک بخانواده وجود دارد، این مساعدت اغلب، امروزه، بصورت مدد معاش و اعانه خانوادگی انجام میشود. مخارج اضافی که بر بودجه خانواده تحمیل میگردد، از قبیل تعداد زیاد فرزندان، باید مورد توجه قرار گیرد و باید در صدد جبران این عامل یعنی فقر محیطی که کودکان در آن بزرگ میشوند، برآمد.

تمایل کشورهای مرفه‌تر بر آن نیست که عوائد غیر کافی خانواده را تکمیل کنند و اعانات مسکن بفقرا، اعطاء نمایند، بلکه بیشتر متوجه آنست که مساکن وسیع‌تری برای اقامت چنین خانواده‌ای تهیه کنند. در هر حال نه تنها اجاره مسکن بلکه وضع خود منازل نیز بایستی متناسب احتیاجات جدید خانواده باشد: محل سکونت باید بنحوی تهیه شود که تعلیم و تربیت را تسهیل کند و شاید هم، مخصوصاً بهر یک از اعضاء خانواده اجازه و امکان دهد از یکدیگر جدا باشند. بنظر میرسد که ضرورت دارد بمعماران توصیه شود که بر تعداد اطاقهای کوچک بیفزایند و در ساختن تالارهای بزرگ عمومی تأمل نکنند، زیرا در این صورت نیازمندیهای روانی خانواده را مورد توجه قرار داده‌اند.

بهر تقدیر، در صورتیکه میپندارند که میتوانند تمام احتیاجات خانواده‌گی را در مورد مسکن فردی، هر چند که خوب طرح‌ریزی شده باشد، تأمین کنند، این خیال باطلی بیش نیست. چون دوران کودکی دیری نمیپاید، باید از اینکه محل سکونت و اثاث را بنحو قطعی و دائمی با احتیاجات این دوران وفق داد، احتراز کرد. بازیها، باغبانی، سرگرمیهای پسندیده، اجتماعات مطالعاتی و غیره، ممکن است موضوع ایجاد ساختمانهای عمومی قرار گیرد و بنا بر این باید در تمام نقشه‌های ساختمانی جدید، ایجاد «مرکز فعالیت‌های اجتماعی» پیش‌بینی شود. بهر صورت، پس از آن مناسب خواهد بود یک نوع اسلوب تربیتی بکار برند که اجازه دهد از چنین مرکزی بوجه احسن استفاده شود، بدین معنی که یک تربیت فعالیت اجتماعی، ایجاد و حاصل گردد:

تقسیماتی که در زمینهای بازی معمول میدارند، بدین منظور که چند پارک شهری در نقاطی از آن زمین‌ها احداث کنند، در صورتیکه توأم با واقع بینی نسبت با احتیاجات خانواده‌گی نباشد، نمری نخواهد داشت.

اختصاص انحصاری تعدادی منازل بخانواده‌ها و افراد طبقه معینی نیز نتیجه کمتری در بر خواهد داشت. بنابراین متصدیان شهرسازی باید نقشه‌های وسیع کافی با رعایت کلیه شئون و وسائل زندگی اجتماعی تنظیم کنند.

معهدنا مهمترین اصلاح انفرادی عبارتست از اینکه محیط دیگری که احتیاجات کودک را در خارج از خانواده تأمین نماید و یا امکان داده شود که بتدریج باستقلال نائل گردد، در اختیار او قرار دهند. برای کودکانیکه سنین متفاوت دارند، باید کودکانهای مختلف در نظر گرفت. بعدها محیط آموزشگاه نیز با احتیاجات کودک که بزرگ میشود باید انطباق داشته باشد. لازم نیست درباره عوامل مذکور بیش از این بحث کنیم: کافی است اهمیت آنها را قویاً خاطر نشان سازیم.

#### اصلاح سازمان کار.

نوع سازمان کار که مولود صنعتی شدن کشورهاست نباید قطعی تلقی شود. اجرای نقشه اصلاحات، در صورتیکه ضمن آن نیازمندیهای انسانی منظور گردد، ممکن است موجب تغییرات قابل توجهی شود، چنان تغییراتی که وضع خانواده را بدون آنکه منافع اقتصادی کسی را بخطر اندازد، بهبود میبخشد. این موضوع واجد اهمیت بسیار است که محیط خانوادگی برای پدران و مادران و فرزندان کار کردن مشترک را امکان پذیر مینماید. بعلاوه کودکان باید محیطی را که پدران و مادرانشان در آن کار میکنند، بشناسند. در صورتیکه از سنین اولیه، گردشهای دسته جمعی آموزشگاهی بمنظور مطالعه طبیعت یا هنر، ترتیب داده شود، بسیار آموزنده خواهد بود. میتوان منافع تمایل و نظریه جدید را دایره آزاد گذاردن کودکان در مدرسه و طی ساعات بیکاری، در هر کار و نسبت بشرکت در زندگی، تا سیزده سالگی، مورد تردید قرار داد.

دلایل متعدد، درستی مداخله را در زندگی کودکان از نظر آنکه

وظائفی را که برعهده دارند، بخوبی انجام دهند، ثابت میکند. در این صورت بالتیجه ساعات درس باید مسلماً تغییر داده شود.

بنظر میرسد که راه حل قابل توصیه در نقشهٔ تعلیم و تربیت بدین قرار است: مطالعات و تحصیلات، در دوران کودکی، هدف اساسی را تشکیل میدهند و بنابراین مناسب ترین اوقات کودک را فرا میگیرند، دوران مناسب دیگر نیز بوسیلهٔ يك کار دسته جمعی خانوادگی اشغال میشود؛ بالاخره لحظات کم فعالیت تر و کم اهمیت تر، دوران بیکاری را که طی آن کودک خود را بیش از پیش از خانواده آزاد میکند، بوجود میآورد. کار لازم برای حسین جریان يك خانه که با رعایت شرایط جدید مجهز شده باشد، فعالیت تربیتی مطلوب در همکاری اعضاء خانواده در کاریکه منافع حاصل از آن بمعنای واقعی بهر يك خواهد رسید، امکان پذیر خواهد شد. وضع کنونی که مادر را خدمتگاره قرار میدهد، هیچیک از شرایط و جهات بالا را در بر ندارد؛ بلکه بالعکس مادر احتمالاً يك تأثیر نامطلوب و منفی در وضع روحی، در هیجانات و سنتها و روشهای کار تمام اعضاء خانواده و کودکان بجای میگذارد.

چنانکه چند بار خاطر نشان گردیده، غیبت همزمان پدران و مادران که ناگزیر از کار کردن در خارج از خانه هستند، در تعلیم و تربیت، تأثیر نامطلوبی دارد. راه حلهائی که در این باره پیشنهاد شده، فقط کار کردن مادر و برای مدت کوتاهی پیش بینی و قبول کرده است بنابراین، در صورتیکه بدین امر توجه کنند، ترجیح دارد که قبل از ارضای نیاز مندیهای روانی و تربیتی خانواده، ساعات کار همه تقلیل داده شود، بطوریکه پدر، مادر و کودکان بتوانند قسمتی از اوقات خود را بیک کار دسته جمعی در منزل اختصاص دهند. از طرفی دیگر، در صورتیکه جهات اقتصادی را که با افزایش دستمزد بستگی دارد و وسائل شخصی را که برای زنان ادامهٔ شغل

با مزدی را ایجاد میکند، نیز در نظر بگیریم، راه حل مناسب زیر را بدست خواهیم آورد: ساعات کار در روز، برای تمام کسانی که وقت خود را بکار با مزد مصروف میکنند، بشش ساعت تقلیل خواهد یافت؛ در عوض آمار دستمزد، بر اثر استخدام عمده زیادی از زنان متأهل، ترقی خواهد کرد چگونگی میتوان از تجزیه خانواده جلوگیری کرد.

تعمیم معالجات روانی نسبت به همه مردم، که ممکن است بکمک ترقیات روانشناسی، مراکز روانشناسی تربیتی، انتشار و اشاعه قواعد حفظ سلامت فکری، مراکز مشاوره زناشویی و مشاوره خصوصی، تحقق پذیرد، میتواند بطور قابل ملاحظه ای تعداد مجادلات خانوادگی، طلاق، جداییها و سایر حوادث نامطلوب را که نتایج و آثار تأسف آوری در تعلیم و تربیت کودکان دارد، کاهش دهد. تعلیم و تربیتی که موجب میشود افراد بدان وسیله شخصیت خود را درک کنند، نیز دارای چنین نتایجی تواند بود. بعلاوه، در صورتیکه بکاهش قدرت جابرانه قرار دادها و خشونت احکام مذهبی و قضائی و همچنین نفرت خانوادگی، توفیق حاصل گردد، بی شک بطور مؤثر در بهبود تعادل روحی، و حصول توافق طولانی بین زن و شوهر و بین اعضاء خانواده و کودکان کمک خواهد شد. تعلیم و تربیت پدران و مادران آینده، حالات مخصوصی را از این نوع کوشش تربیتی که احتمالاً بایجاد يك محیط روانی بسیار هم آهنگ برای کودکان فردا منتهی خواهد شد، بوجود میآورد. از تحدید اختیاری تعداد موالید میتوان چنین آثار رضایت بخشی را نیز انتظار داشت، بدین معنی که در آن راه حلی جهت کودکانیکه بدون تمایل پدران و مادران دنیا میآیند، موجود است.

بنفع کانو نهای خانوادگی که قبلاً دچار مصیبت شده اند و مرگ لافل یک عامل اجتناب ناپذیر محسوب میشود. میتوان تدابیر اجتماعی مؤثری اتخاذ کرد. این موضوع و واجد اهمیت بسیار است. اندوه و تندخویی که براغلب

خانواده‌های ناقص (۱) مستولی می‌شود بنوبه خود برای کودکان زبان بخش است. میتوان آنرا از طریق تغییر و توسعه فهم و ادراک اعضاء خانواده و بوسیله کاستن توقعات قواعد اجتماعی، درمان کرد، بنحویکه زنان مطلقه، زنان شوهر مرده، و زنانیکه از روابط غیرقانونی دارای فرزند شده‌اند، خود را موجود عبث و نسنینی نشمرند.

از نظر تسهیل این نوع معامله بمثل و در عین حال بلحاظ تجارت بعضی مشکلات عملی که خانواده‌های ناقص با آن مواجه هستند، شایسته است امکان مجتمع شدن این خانواده‌ها، در اجتماعات خیلی وسیع، مورد مطالعه واقع شود: بدین معنی که دو یا سه خانواده میتوانند مشترکاً زندگی کنند و کودکان ایشان بمنزله برادر و خواهر خواندگان و سالمندان بعنوان والدین اینان تلقی شوند. چون زنان هستند که بدین ترتیب جمع میشوند، لازم است بموازات چنین کانونهای بدون مرد، مخاطرات ناشی از «صفت زناسگی» مفرط و تنهایی را در نظر گرفت. با احتمال قوی این وضع مثبت خواهد بود، زیرا مسائل عملی در آن صورت تسهیل و آسان خواهد شد، روابط داخلی خانواده‌های مجتمع شده، تنوع بسیار خواهد یافت، علائق روحی آنان کمتر دارای خصوصیت انحصاری خواهد بود و در عین حال احتمال دارد محیط تجمع آنان فرحنا کثرتوأم با آسودگی خاطر بیشتر گردد. جای شگفتی است که دریافتن یک وسیله قطعی برای خانواده‌های خیلی محدود، منزوی، ناقص و اجتماع کودکان، توجه لازم بکار نرفته است.

البته پاره‌ای از مشکلات و تناقضات و ناتوانیها ناگزیر باقی خواهد ماند، زیرا دوباره ایجاد کردن اجتماعات، بمتابعت نیازمندیهای نسلهای جوان باسانی امکان پذیر نیست. اما در صورتیکه فقط موانع و مشکلات تربیتی که از شرایط کنونی اجتماعی ناشی میگردد، تشخیص و تعریف شود

و در معرض بحث و مطالعه انتقادی قرار گیرد، ممکن است نتایج گرانبها و قابل توجهی بدست آید. لاقلاً راه حل این موضوع میتواند احساس ناتوانی را که اینک با فشار میآورد، زایل کند.

مسائلی که باید مورد مطالعه دقیق تری قرار گیرند

بین مشکلاتیکه میتوان بمطالعه آن اکتفا کرد بدون آنکه در مان و چاره آن پیشنهاد و توصیه شود، قسمتی وجود دارد که بحیط فرهنگی مربوط است؛ محیط فرهنگی تابع هیچ نقشه‌ای قرار نمیگیرد و غالباً بطور کامل در جهت مخالف اصول تعلیم و تربیت واقع میشود. در این زمینه تأثیری را که توسط وسائل مهم خبری، در کودکان بوجود میآید، ذکر میکنیم؛ سینما تا کنون موضوع پاره‌ای تحقیقات بوده است؛ در خصوص تأثیر ادیو و روزنامه‌ها نیز موضوع آن چنانکه باید بررسی و تحقیق نشده است.

تأثیر مستقیم و غیر مستقیم عقیده و تعلیمات مذهبی در تعلیم و تربیت باید مورد مطالعات عمیق قرار گیرد. دستورها و احکام بعضی از مذاهب با اندرزهایی که پدران و مادران در باب تعلیم و تربیت داده میشود، تضاد و تصادم دارد. ممکن است اختلافات مذهبی و عقیدتی این نتیجه را بیخشد که اختلافات بین کشورها و دسته‌ها را تشدید کند و بدینوسیله اختلاف تعلیم و تربیت نیز، که قبلاً جنبه زیان بخش آن را خاطر نشان ساخته‌ایم، افزایش یابد. تجزیه و تحلیل دقیق این مسائل ممکن است نمر بخش باشد.

دور تریب و روم: لازم است همچنین بقایا و آثار فرهنگی حالات اجتماعی پیشین را مطالعه کرد. پدران و مادران و کودکان از یک طرف تابع تأثیرات منطقی علوم جدید هستند و از طرف دیگر تحت نفوذ خرافات و اوامع متعدد و مختلف قرار دارند. بعضی از محیطها در باره يك علاقه

روحی کوشش میکنند، در صورتیکه پاره‌ای دیگر بمحکوم کردن اخلاق و يك انضباط آمرانه مبادرت میورزند. نتایج يك اختلاف احتمالی بین این دو وضع برای تعلیم و تربیت چیست؟

### نتیجه

ذکر مطالب بالا بمنظور نشان دادن روابط بین شیوه‌های مختلف تعلیم و تربیت، و بخصوص روابط بین شیوه‌های تعلیم و تربیت و محیط زندگی کودک، که اینها تا کنون بطور کامل مطالعه و تحقیق نشده‌اند، میباشد. مقصود نهائی آنست که مریدان بمعنای مسؤولیت‌های خود توجه کنند و برای آنان معلوم شود که باید شرایط اجتماعی را برای مطالعه انتقادی و تحلیلی از نظر انطباق آنها با نیازمندیهای انسانی ملحوظ و رعایت کنند، با وجود این مقصود فوری، بطور خلاصه عبارت است از: تنظیم بیلابنی از وضع فعلی و مطالعه مثبت آن. بنابراین هنگامیکه مباحثات لازم بعمل آید، دیگر هیچ اقدامی ضرور نخواهد بود. آثار آن آشکار و ظاهر خواهد شد و تحقیقات موجود يك اثر عمده خواهد بود، زیرا حقیقت يك ارزش درمانی دارد. همچنین هر کس باید درك کند که اجتماع فعلاً بآن صورت که اگر ما بآرزوهای خود پی میبردیم و برای تحقق آن کوشش میگردیم، درمی‌آید، منظم نیست. اجتماع اکنون در هیچ جا، درجهتی که مریدان تجویز میکنند، پیش نمیرود؛ و در هیچ جا اجتماع قادر نیست احتیاجات و تمایلات کودکان را تأمین کند

# ضمیمہ

## فہرست اعضاء ہیئت مدیرہ و کار آموزان

### ومشاوران فنی

کہ دراستاژ مطالعات عملی تعلیم و تربیت کودکان سینہ سہ تا سیزده شرکت  
جستہ اند -

#### اعضاء ہیئت مدیرہ

رئیس .

خانم اسکارد ، آزرگودا ( Skard , Aase Gruda, Mme ) - نروژ -  
استادروانشناسی دانشگاہ اسلو .

عضو دبیرخانہ یونسکو مامورسازمان دورہ های کارآموزی .  
کیتون ، ژان ویلیام ( Guiton, Jean William ) - فرانسه - اداره فرهنگ  
یونسکو .

رئیس دستہ .

باولی ، آگاتا ( Bowley, Agatha H., Mile ) - انگلستان - روانشناس  
وابستہ بمؤسسہ روانشناسی آموزشگاہها .

چن ہوچین ( Chen, Ho - Chin ) - چین - رئیس انستیتوی مقدماتی کارکنان  
کودکستانها ومعلم دانشسرای شہرداری دختران جوان شانگہای .

میلان ، لویی ( Meylan, Louis ) - سوئیس - استاد دانشگاہ لوزان .

پرسکوت ، دانیل آلفرد ( Prescott, Daniel Alfred ) - اتاژونی  
رئیس انستیتوی علوم مربوط بکودکان دانشگاہ ماریلانہ

معاون اموراداری .

آمبروس ، میاوس ( Ambros Milos ) - چکوسلواکی - عضو وزارت  
فرہنگ چکوسلواکی .

معاون فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی  
آمبروسووا، لیبیا (Ambrosova, Liba, Mme) - چکوسلواکی.  
کتابدار.

تید لیتات، واکلاو (Tydlitat, Vaclav) - چکوسلواکی

## کارآموزان

آساتیانی، رولاند (Assathiany, Roland) - فرانسه - عضو وز  
بهداری.

باستاد، اوافرییس (Baastad, Eva Friis, Mlle) - نروژ کم‌آموزگار.  
بارتوسکوا، ماری (Bartuskova, Marie, Mlle) - چکوسلواکی -  
رئیس قسمت کودکانها در وزارت فرهنگ.

بلاشفورد، کاترینا (Blatchford, Catrina, Mlle) - انگلستان - استاد  
رشته تربیتی (باغهای کودکان و کودکانها) در مدرسه لاندریندود (Llandrindod).  
بوافو، گریس (Boafo, Grace, Mlle) - انگلستان - دانشجوی یونیورسیتی  
کلژ (University college).

سیژروا، ویولا (Cigerova, Viola, Mme) - چکوسلواکی - معلم  
مدارس متوسطه.

کهن، ساموئل (Cohen, Samuel) - استرالیا - استاد دانشسرا در  
دانشگاه سیدنی.

دلچ‌گریس (Dolmage, Grace, Mlle) - کانادا - بازرسی وابسته با اداره  
آموزشگاههای عمومی در وینی‌پگ (Winipeg) وابسته به کلینیک روانشناسی تربیتی.

دوتا، بهاباناندا (Dutta, Bahabananda) - هند - مأمور حکومت  
هندوستان برای مطالعه روانشناسی کودکان.

فورژو، ایون (Forgeot, yvon, Mlle) - فرانسه - معلم دبیرستان  
هاسته به مرکز بین‌المللی مطالعات تربیتی سور.

گابارد، هازل (Gabbard, Hagel, Mlle) - آنازونی - کارشناس  
وابسته به قسمت تعلیمات تکمیلی و شبه‌آموزشگاهی، اداره تعلیمات ابتدایی، دفتر  
اتحاد تعلیم و تربیت

گنیدنیگر، استر (Gnaedinger, Esther, Mlle) - سوئیس - دانشجو

هاشم ، اباچی - عبدالهادی (سوریه) . معلم :

هری بی ئیر لوبرت، سوزان (Herbinière-Lebert, Suzanne, Mme) - فرانسه - بازرس کل کودکانها .

ایورسن ، بره (Iversen, Beret, Mlle) - نروژ - معلم

کتلس پیرل (Kettles, Pearl, Mlle) - انگلستان - مدیر کلاسهای کودکان  
در یکی از مدارس ابتدائی ایدنبورگک .

لوژان ، الیزابت (Logan, Elizabeth, Mme) - انگلستان - عضو اداره  
تعلیمات هر فورد شایر .

لوژان، ربرت (Logan, Robert) انگلستان - رئیس تعلیمات و دستر شایر .

لوکاس، الکساندر (Lukacs, Alexander) - مجارستان - دبیر اتحادیه  
دانشجویان .

پانشود ، ژوز (Panchaud, Georges) - سوئیس - رئیس مدرسه عالی  
دختران در لوژان .

راسموسن ، ادگار، ترانک جر (Rasmussen, Edgar, Tranckjaer) -  
دانمارک - استاد دانشگاه کپنهاگ .

سدلاکووا (Sedlackova, Vera, Mme) - چکوسلواکی - معلم مدارس  
متوسطه .

سیمونسون، ربکا (Simonson, Rebecca, Mlle) - انگلونی - ناظم و رئیس  
فدراسیون آمریکائی معلمین .

سوسک ، ژان (Soucek, Jan) - چکوسلواکی - عضو انستیتوی تحقیقات  
تربیتی .

اسپیتزل، آنا (Spitzel, Anna, Mme) - اتریش - معلم مدارس متوسطه .  
اشتوفل نیکلا (Stoffel, Nicolas) - لوکزامبورگ - بازرس تعلیماتی  
مدارس ابتدائی .

تیل، لوسین (Thill Lucien) - لوکزامبورگ - بازرس تعلیماتی مدارس  
ابتدائی .

تومه ، موریزو (Thomet, Mauriso, Mlle) - فرانسه - بازرس کل  
کودکستان

نومپسون، دویس ورا (Thompson, Doris Vera, Mlle) - اتحادیه آفریقای جنوبی - مدیر مدرسه .

وبر، ورا کاتلین (Webber, Vera Kathleen, Mlle) - اتحادیه آفریقای جنوبی، - بازرسی کودکانها در اداره فرهنگ اتحادیه آفریقای جنوبی .

زازو، رنه (Zazzo, René) - فرانسه - استاد انستیتوی تربیتی دانشگاه پاریس

### مشاورین فنی

بندیت، روت (Benedict, Ruth, Mme) - اتازونی - (فوت کرده است) استاد نژاد شناسی در دارالمعلمین دانشگاه کلمبیا .

بروس ترودز (Brosse, Thérèse, Mme) - فرانسه - عضو اداره فرهنگ، کارشناس کودکانی که بر اثر جنگ ناقص الاعضاء، وآواره شده اند، یونسکو .

ایلک، فرانس (Ylg, Frances L., Mlle) - اتازونی - مأمور تحقیقات درباره رشد کودکان در دانشگاه یال .

ری، آندره (Rey, André) - استاد روانشناسی عملی در دانشگاه ژنو





**L'Influence du Foyer  
et de la Communauté  
SUR LES ENFANTS DE  
MOINS DE TREIZE ANS**

**VERS LA COMPRÉHENSION INTERNATIONALE**







